

طراحی و الگوبایی چشم‌انداز دولت مطلوب گفتمان انقلاب اسلامی

مبنتی بر بیانیه گام دوم

ایوب نیکونهاد^۱، مسعود اخوان کاظمی^۲

اولین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب؛ الگوی نظام انقلابی تمدن ساز

International Conference on the Second Step of the Revolution

چکیده

یکی از اهداف متعالی انقلاب اسلامی ایران، نظریه‌پردازی در مسیر تحقق «تمدن نوین اسلامی» است. بنابر نظریه‌های ارائه‌شده که مرجعیت علمی و پرچم‌دار اصلی آن رهبری معظم انقلاب (مدظله) هستند، فرایندهایی (شکل‌گیری انقلاب اسلامی، تشکیل نظام اسلامی، برپایی دولت اسلامی، تشکیل جامعه اسلامی و برپایی تمدن نوین اسلامی) برای دستیابی به این هدف مهم تعریف شده است. این فرایند رو به پیشرفت با وجود پیشرفت‌های درخور توجهی که در چهار دهه نخست عمر انقلاب رخ داد، در سومین مرحله آن یعنی «برپایی دولت اسلامی» با موانع جدی روبه‌رو بوده است و هنوز دولت تراز گفتمان انقلاب اسلامی به‌نحوی که با استانداردها و معیارهای حداکثری دین اسلام و آرمان‌های انقلاب اسلامی هماهنگ و همسو باشد در ایران شکل نگرفته است. به تصریح رهبر انقلاب (مدظله)، گام اصلی حرکت تمدنی انقلاب اسلامی در مقطع کنونی، ایجاد دولت اسلامی است که بدون تحقق آن، دستیابی به دو مرحله بعدی میسر نخواهد شد؛ بنابراین، در پژوهش پیش‌رو به دنبال پاسخگویی به این دغدغه و پرسش هستیم که دولت مطلوب و تراز انقلاب اسلامی باید چه ویژگی‌ها و شاخصه‌هایی داشته باشد تا بتواند در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی نقش محوری ایفا کند؟ به این منظور، در پژوهش پیش‌رو ویژگی‌های دولت تراز و مطلوب گفتمان انقلاب در سه لایه: شاخصه‌ها و ویژگی‌های دولت تراز در داخل، شاخصه‌ها و ویژگی‌های دولت تراز در جهان اسلام، و شاخص‌های دولت تراز در نظام بین‌الملل منبسط بر متن بیانیه گام دوم انقلاب بررسی شده است. طبق بررسی‌ها و نتایج این پژوهش که با استفاده از روش‌های توصیفی - تحلیلی و ابزارهای کتابخانه‌ای به شیوه سندکاوی انجام شد، مهم‌ترین ویژگی‌های دولت تراز انقلاب در سطح داخلی شامل معنویت‌گرایی، علم‌گرایی،

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گرایش آینده‌پژوهی مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد
۲. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه رازی



شایسته‌سالاری، عقلانیت‌محوری، مشارکت‌جویی، قانون‌محوری، شفافیت‌گرایی، و بوم‌گرایی اقتصادی؛ در سطح جهان اسلام شامل امت‌گرایی، امنیت‌زایی، حامی مقاومت، ام‌القربی و وحدت‌گرایی، و بالآخره در سطح بین‌المللی شامل ضدهژمون‌گرایی، پایبندی به اصول اخلاقی و انقلابی، عزت‌طلبی و صلح‌طلبی است. با تکمیل شاخصه‌های دولت تراز گفتمان انقلاب اسلامی در این سه لایه، به‌صورت ترکیبی و توأمان، می‌توان یک گام به مرحله نهایی انقلاب اسلامی، یعنی مرحله تمدن‌سازی نزدیک شد.

واژگان کلیدی

چشم‌انداز انقلاب اسلامی، بیانیه گام دوم، دولت مطلوب، تمدن نوین اسلامی.

مقدمه

یکی از وجوه تمایز انقلاب اسلامی ایران با دیگر انقلاب‌ها و نهضت‌ها در ترسیم اهداف و چشم‌انداز متعالی و تمدن‌سازی است که این انقلاب به پشتوانه فقه سیاسی شیعه و تحولات اجتماعی آن در ادوار تاریخی، از آن برخوردار بوده است. خصلت «آرمان‌گرایی» و «کمال‌طلبی» که فقه تشیع همواره در طول تاریخ خود همراه با آن بوده است به هسته اصلی نظریه‌پردازی‌های انقلاب جاری شده است، هم در مراحل شکل‌گیری اندیشه اولیه انقلاب (در اندیشه امام خمینی(ره))، و بعد از آن؛ در طول چهل سال گذشته، این خصلت به‌صورت مداوم و در شکل‌ها و عرصه‌های گوناگون بازیابی شده است. در واقع، جریان «هویت‌ساز» و «تمدن‌ساز» انقلاب اسلامی در طی چهار دهه گذشته به‌مثابه حرکت رودخانه‌ای بوده که همواره هویت اصیل و گفتمان‌ساز خود را بازنمایی کرده و خود را از رکود نظریه‌ای خارج ساخته است. محدودکردن حرکت ملت ایران در انقلاب اسلامی به عوامل و نیازهای مادی و تحلیل تک‌بعدی ریشه‌های آن، خطای راهبردی بیشتر تحلیل‌گران انقلاب اسلامی است. تحلیل جامعه‌شناختی شعارهای انقلاب اسلامی مؤید این مطلب است که انقلاب اسلامی ایران انقلابی هویتی و تلاشی سترگ برای بازگشت به خویش‌ترن بوده است و تعالی‌گرایی و معنویت‌طلبی برخاسته از اسلام‌گرایی و اسلام فقه‌ای عمده‌ترین و والاترین هدف ملت ایران در آن زمان بوده است؛ بنابراین، اگر بپذیریم انقلاب اسلامی



ایران آغاز و اساس پدیده «تمدن‌سازی نوین» است و اهداف آن در فرایندی تکاملی تعریف شده است، تحلیل سمت‌وسو و حرکت‌های انقلاب به داشتن «بینش تمدنی» نیاز دارد؛ همچنان‌که، بیانیه گام دوم انقلاب منطبق با این منطق ازسوی رهبری معظم انقلاب (مدظله) صادر شده است. مسیر تمدن‌سازی انقلاب با پیروزی انقلاب اسلامی آغاز شده است و با طی مراحل در فرایندی تعریف‌شده، به شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی خواهد رسید. یکی از این مراحل در فرایند دستیابی به تمدن نوین اسلامی، که سومین مرحله آن است، تشکیل «دولت اسلامی» است. با وجود پیشرفت‌های نظری و عملی که در چهار دهه عمر انقلاب اسلامی به دست آمده است، دولت اسلامی که با معیارها و شاخص‌های حداکثری دین مبین اسلام و آرمان‌های متعالی انقلاب همسو و هم‌راستا باشد، تاکنون تشکیل نشده است و طی این چهار دهه، همواره با نوعی چالش دولت‌سازی اسلامی مواجه بوده‌ایم. دولت‌سازی در این پژوهش، فقط به معنای رایج آن یعنی قوه مجریه نیست؛ بلکه، همه قوا از مقننه و قضائیه و تمام کارگزاران نظام اسلامی را دربرمی‌گیرد که بدون تشکیل آن، تحقق مراحل بعدی مسیر نخواهد شد. در پژوهش پیش‌رو کوشش شده است که با بهره‌گیری از نظریه حکمرانی شایسته در اسلام و منطبق با متن بیانیه گام دوم و نیازهای فعلی جامعه ایرانی، با رویکردی جامع، شاخصه‌ها و ویژگی‌های دولت تراز انقلاب اسلامی شناسایی، تبیین و تشریح شود. ویژگی برجسته پژوهش پیش‌رو این است که در پی ترسیم مدلی مفهومی است که در آن شاخص‌ها و ویژگی‌های دولت تراز انقلاب اسلامی با رویکردی جامع و نگاهی راهبردی به متن بیانیه گام دوم انقلاب نشان داده شود. به این منظور، در این پژوهش ویژگی‌های دولت تراز در سه لایه: شاخصه‌ها و ویژگی‌های دولت تراز در داخل، شاخصه‌ها و ویژگی‌های دولت تراز در جهان اسلام و شاخص‌های دولت تراز در نظام بین‌الملل منطبق بر متن بیانیه گام دوم انقلاب تشریح خواهد شد. در واقع، فرض پژوهش بر این است که در مسیر راهبردی و تمدنی انقلاب اسلامی «تشکیل دولت اسلامی» ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای تحقق اهداف متعالی انقلاب است؛ بنابراین، نخبگان فکری و ابزاری باید با گفت‌وگو با گفتمان‌سازی روند تشکیل دولت تراز انقلاب را برای تسریع در عبور از چالش‌های پیش‌رو فراهم کنند.



چهارچوب نظری

در مفهوم‌پردازی الگوی حکمرانی مناسب برای جمهوری اسلامی ایران مطابق با آموزه‌ها و راهبردهای بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، نخست، مبانی و مفهوم «حکمرانی خوب» بررسی و سپس با نگرشی متعالی و اسلامی، مفهوم «حکمرانی اسلامی»، که چهارچوبی مناسب و غایت‌جویانه برای جمهوری اسلامی است، ارزیابی و تحلیل می‌شود.

الف. حکمرانی خوب

در طول تاریخ، همواره ترسیم و دستیابی به بهترین شکل و بهترین نوع نظام سیاسی دغدغه اصلی و اساسی اندیشه‌های سیاسی بوده و در تفکرات هر یک از اندیشمندان به‌نوعی حاکمیت مطلوب و جامعه آرمانی و ایده‌آل ترسیم شده است؛ اندیشه‌های سیاسی ایرانی - اسلامی نیز به‌نوبه خود از این قاعده مستثنا نبوده و در طول تاریخ اندیشه‌ورزی نظام‌های سیاسی ایده‌آل و آرمانی خود را ترسیم کرده‌اند.

تلاش برای دستیابی و تشکیل حکومت اسلامی در دیدگاه‌های حضرت امام خمینی (ره) قبل از انقلاب و گفتمان‌سازی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله) برای تحقق تمدن نوین اسلامی از جمله تصویرسازی‌ها و ترسیم چشم‌اندازهای آرمانی در دستیابی به حاکمیت مطلوب به‌شمار می‌رود.

مفهوم حکمرانی مطلوب هم از جمله مفاهیم نوپا و جدیدی است که از دو دهه پایانی قرن بیستم به ادبیات سیاسی و محافل جهانی وارد شده است. تا پیش از دهه ۱۹۸۰ بیشتر رویکردها به برنامه‌های توسعه جهانی در قالب رویکردهای «کمی» تعریف شده بود؛ ولی، از آغاز این دهه و به علت مواجه شدن دولت‌ها با چالش‌های جدید مانند رهیافت دولت بزرگ و برای خروج از این چالش‌ها رویکرد جدیدی با مرکزیت قراردادن رویکرد و نگاه «کیفی» به مسائل حکمرانی در دستور کار قرار گرفت که از آن به حکمرانی خوب یا مطلوب یاد می‌شود. در واقع، این الگو با رویکردی هنجاری و ارزش‌مدارانه به شیوه صحیح، مفهوم جدیدی از دولت را در نظر می‌گیرد که به فرایند نوین اداره امور جامعه اشاره دارد. تغییراتی در نقش دولت ایجاد می‌آورد و روش جدیدی برای اداره جامعه ارائه می‌دهد (قلی پور، ۱۳۸۳: ۸۶).



درباره حکمرانی خوب تعریف‌های گوناگونی ارائه شده و روح حاکم بر همه آنها تفاوت چندانی باهم ندارد و هر کدام از آنها به ابعاد ویژه‌ای از این نظریه پرداخته‌اند؛ ولی، در مجموع می‌توان حکمرانی خوب را براساس ویژگی‌های آن و یا براساس فرآیند تعریف کرد. در تعریف براساس ویژگی‌ها، تعریف بانک جهانی از حکمرانی خوب جامع‌ترین آنها، و در بحث حکمرانی خوب براساس فرآیند، تعریف «ماری رایبسنسون»، کمیسر عالی سابق حقوق بشر سازمان ملل متحد، را کامل‌ترین تعریف در این زمینه دانسته‌اند (میدری، ۱۳۸۱: ۳۱-۳۲). بانک جهانی تاکنون در سه مرحله حکمرانی خوب را تعریف کرده است. این بانک در تعریف سال ۱۹۹۲ حکمرانی خوب را مدیریت دولتی کارا (شامل بودجه‌بندی، حساسی، ارائه گزارش و رفع نارسایی‌ها)، پاسخگویی، وجود چهارچوب قانونی برای توسعه، اطلاعات و شفافیت (اطلاعات در مورد اثربخشی فعالیت‌ها و شفافیت برای جلوگیری از فساد تعریف کرده است. در سال ۲۰۰۰ شاخصه‌هایی نظیر مشارکت، شفافیت، پاسخگویی، حساسیت به نیاز فقرا، مدیریت قوی و ثمربخشی هزینه را از معیارهای حکمرانی مطلوب به‌شمار آورده و در تعریف سال ۲۰۰۶ خود جامعیت و پاسخگویی تحقیق‌یافته در سه بخش مهم: انتخابات، پاسخگویی و تعویض حاکمان (اظهارنظر و پاسخگویی، پایداری و فقدان خشونت)، کارآمدی نهادها، مقررات، مدیریت منابع (چهارچوب نظم‌دهنده کارآمدی حکومت)، احترام به نهادها، قوانین و تعاملات میان کنشگران در جوامع مدنی، تجارت و سیاست (کنترل فساد، برابری حقوقی) را از ویژگی‌های حکمرانی مطلوب دانسته است.

برنامه عمران سازمان ملل متحد حکمرانی خوب را این‌گونه تعریف کرده «قاعدمندی، شفافیت ... پاسخگویی، کارآمدی و انصاف، ترویج برابری حقوقی، تضمین اینکه اولویت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی براساس اجماع جمعی است و اظهارنظرهای فقرا و افراد آسیب‌پذیر در تصمیم‌گیری درباره اختصاص منابع توسعه، مورد توجه قرار می‌گیرد». ولی، درباره ویژگی‌های اساسی حکمرانی خوب، کمیسیون حقوقی سازمان ملل، طی قطعنامه شماره ۶/۲۰۰۰ این ویژگی‌ها را بدین شرح برشمرد: شفافیت، مسئولیت، پاسخگویی، مشارکت، حاکمیت قانون و انعطاف‌پذیری (گریندل، ۲۰۰۳: ۵۷۴-۵۵۳).

اصول و ویژگی‌های اساسی مربوط به حکمرانی مطلوب، جهانی و بین‌المللی‌اند و شامل تمام کشورها و دولت‌ها می‌شود؛ ولی، اجرای آنها در کشورهای مختلف با یکدیگر متفاوت



است. از این رو، کشورها باید بتوانند گونه‌های ملی متعلق به خود را در زمینه حکمرانی مطلوب مشخص و تعیین کنند؛ از این رو، به کارگیری تجربه تاریخی کشورها بر مبنای نظام‌ها، فرهنگ‌ها و ارزش‌های بومی آنها که منعکس‌کننده واقعیت‌های روز است، امری ضروری است. با پذیرش این فرض که دین اسلام دینی جامع و کامل است و بسیاری از شاخص‌ها و ویژگی‌های حکمرانی مطلوب با اصول و مبانی این دین هم‌راستا است و چنانچه، آنها را با فرهنگ و ارزش‌های دینی و ملی خود تطبیق دهیم، می‌توانیم الگوی مناسبی برای سنجش چگونگی «حکمرانی شایسته» ارائه کنیم، می‌توان شاخص‌ها و فرایندهای حکمرانی اسلامی (حکمرانی شایسته) را یکی از چهارچوب‌های نظری این پژوهش در نظر گرفت.

ب. حکمرانی اسلامی (حکمرانی شایسته)

گرچه مفهوم حکمرانی خود مفهوم جدیدی است و از سال ۱۹۹۶ به وسیله مدرسه جان اف کندی وابسته به دانشگاه هاروارد آمریکا وارد ادبیات سیاسی جهانی شده ولی دستیابی به حکمرانی شایسته حلقه مفقوده نظریه‌پردازی‌های فیلسوفان سیاست‌ورز مغرب‌زمین بوده است. در فلسفه سیاسی اسلامی کمتر این دشواری و راه پریچ‌وخم اندیشه‌ورزی وجود داشته و این به دلیل وجود حاکمیت‌های نبوی و علوی با معیارهای الهی بوده است. به همین دلیل است که آرمان و عملکرد پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) با فطرت انسانی سازگار بوده و بعد از گذشت بیش از ۱۴۰۰ سال همچنان مدل آرمانی و الهی حکومت‌های نبوی و علوی می‌توانند الگویی برای مسلمانان، و حتی برای بشریت، باشند. در مقابل نظریه‌های حکمرانی خوب، که از لحاظ هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی مبتنی بر تفکرات اومانیستی، سکولاریستی و پوزیتیویستی است، می‌توان با بهره‌گیری از مدل حکومت نبوی و علوی نظریه جامع‌تر و کامل‌تر حکمرانی شایسته در اسلام را تبیین و تشریح کرد. مدل حکمرانی شایسته اسلامی از لحاظ هستی‌شناسی، هستی حقیقی را فقط به خداوند متعلق می‌داند و موجودات دیگر مظهر تجلی و نشئت‌گرفته از انوار قدسی باری تعالی هستند و با اجتناب از نگاه تک‌ساحتی به انسان، به ابعاد و نیازهای دوگانه مادی و معنوی وی اهمیت می‌دهد. از لحاظ معرفت‌شناسی، منبع اصلی معرفت را آموزه‌های نجات‌بخش وحیانی می‌داند و آنچه که انسان از طریق حواس ظاهری بدان دست می‌یابد فقط بخش محدودی از



آن معرفت عظیم است و در روش‌شناسی هم با پرهیز از نگاه پوزیتیویستی روش را منحصر به تجربه نمی‌داند؛ بلکه، روش و حیانی را نیز مهم تلقی می‌کند. این نگاه متفاوت به مقوله‌های هستی، انسان، معرفت و روش سبب شکل‌گیری حکومت‌ها و حکمرانی‌های متفاوت شده است. در واقع، در حکمرانی شایسته که مبتنی بر جهان‌بینی الهی است، دنیا و آخرت توأمان اهمیت می‌یابند؛ زندگی دنیوی هدف اصلی آن نیست، بلکه بستر و زمینه‌ای است که انسان با استفاده از آن می‌تواند به سعادت اخروی دست یابد.

ممکن است از لحاظ مبانی نظری، تعدادی از شاخصه‌های حکمرانی شایسته با حکمرانی خوب به‌طور مثال، در پاسخگویی و شفافیت، مشترک باشند؛ ولی، به دلیل تفاوت در مبانی نظری، از نظر محتوا باهم متفاوت‌اند. در پژوهشی که برای مقایسه بین دو مدل حکمرانی خوب و حکمرانی شایسته صورت گرفته است، شاخص‌هایی حکمرانی خوب و حکمرانی شایسته در هفت مؤلفه مدنظر براساس مؤلفه‌های حکمرانی خوب بررسی و ارزیابی شده‌اند (علی‌واثق و حسینی تاش ۱۳۹۳: ۲۷-۷).

رهبر معظم انقلاب (مدظله) در دیدار با دولت‌مردان در شهریور سال ۱۳۸۵ تعدادی از شاخص‌های حکمرانی خوب با رویکرد حکمرانی شایسته اسلامی، مانند عدالت‌خواهی و عدالت‌گستری، فسادستیزی، سلامت اعتقادی و اخلاقی مسئولان کشور، به‌ویژه در سطح عالی‌رتبه، ساده‌زیستی و مردم‌گرایی، قانون‌گرایی، وسعت‌نظر (سعه صدر) و تحمل مخالف، شجاعت و قاطعیت در بیان و عمل حق، شایسته‌سالاری در انتصاب کارگزاران حکومتی، اطلاع‌رسانی و شفافیت اطلاعات و تعداد دیگری از شاخص‌ها را برشمردند. تلفیق شاخصه‌های حکمرانی شایسته و شاخص‌های مدنظر رهبر انقلاب (مدظله) بیانگر آن است که شاخص‌های حکمرانی شایسته اسلامی نه تنها دربرگیرنده شش بُعد شاخص حکمرانی اعلام شده به‌وسیله بانک جهانی است، بلکه ابعاد گسترده‌تری را نیز شامل می‌شوند. در دوره حکمرانی حضرت امیر(ع) نیز شاخصه‌های حکمرانی خوب به‌صورت کمال و تمام وجود داشته است، حتی فراتر از آن، با شاخصه‌هایی مبتنی بر آموزه‌های اصیل دینی، خداترسی، بندگی پروردگار، عدالت اجتماعی و ... در پی رستگاری و کمال مردم و سعادت دنیا و آخرت آنان نیز بوده است؛ بنابراین، با بهره‌گیری و ترکیب شاخص‌های حکمرانی مطلوب و حکمرانی شایسته اسلامی مدل الزامات تحقق حکمرانی سیاسی در بیانیه گام دوم انقلاب ترسیم شده است.



مدل مفهومی پژوهش

برای تدوین مدل مفهومی پژوهش با بهره‌گیری از چهارچوب‌های نظری نظریه‌های حکمرانی مطلوب و حکمرانی شایسته اسلامی تعداد ۲۰ شاخص به‌عنوان شاخصه‌های دولت تراز انقلاب در الزامات تحقق حکمرانی سیاسی براساس بیانیه گام دوم انقلاب انتخاب شد و سپس مدل مفهومی پژوهش ترسیم شد.

تبیین و تشریح شاخص‌ها

الف. ویژگی‌های حکمرانی تراز انقلاب در داخل

۱. معنویت‌گرایی و سعادت‌طلبی

یکی از اهداف و برنامه‌های دین مبین اسلام، سعادت بشر در پرتو نگاه معنویت‌گرایانه است. برخلاف نظریه‌های سعادت‌گرایانه فیلسوفان غربی درباره سعادت انسان و دیدگاه‌های کسانی چون افلاطون تا هابز و راولز که سعادت را مبتنی بر اومانیسم و منحصر به بُعد مادی وجود انسان و این‌جهانی می‌دانستند (واعظی، ۱۳۸۲: ۳۴-۳۳)، در جهان‌بینی اسلامی هدف از آفرینش رسیدن به کمال حقیقی یعنی قرب الهی است. در این جهان‌بینی، انسان علاوه بر بُعد مادی دارای بُعد والاتر روحی و معنوی است و حیات پایدار انسانی پس از انقضای حیات دنیوی آغاز می‌شود. بنابراین، حیات دنیوی او باید به‌گونه‌ای تنظیم شود که بتواند رفتار او را در حوزه فردی و جمعی به گونه‌ای سامان دهد که سعادت و کمال دنیوی و اخروی را باهم تضمین کند. به طبع، حکومتی با چنین جهان‌بینی، که داعیه‌دار ارزش‌های الهی است، نمی‌تواند نسبت به تضمین سعادت دنیوی و اخروی شهروندانش بی‌توجه باشد؛ بنابراین، حکومت در اسلام علاوه بر نگاه به حیات دنیوی بشر وظیفه مهیاساختن و هدایت اتباع خود به سوی سعادت ابدی را نیز برعهده دارد.

انقلاب اسلامی ایران هم که مبانی و اصول آن ریشه در مکتب الهی و جهان‌بینی اسلامی دارد، از توجه به معنویت و کارکرد آن در ساختن اجتماع بشری وارسته غافل نشده است و بندهایی از قانون اساسی را که نماد و میثاق پیاده‌سازی تفکر اسلامی در جامعه ایرانی است، به این مهم اختصاص داده است. برای مثال، در اصل سوم قانون اساسی، ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی براساس ایمان و تقوا و مبارزه با همه مظاهر فساد و تباهی را یکی



از اهداف جمهوری اسلامی ایران می‌داند و یا در اصول ۴۳ و ۱۵۴ نیز سعادت‌گرایی جامعه اسلامی را یکی از اهداف کلان انقلاب برمی‌شمارد. معنویت‌گرایی و سعادت‌طلبی در اندیشه سیاسی رهبران انقلاب (مدظله) هم مغفول نمانده تاجایی که با تدقیق و تدبر در گفتمان حضرت امام (ره) و رهبری معظم انقلاب (مدظله) می‌توان اذعان کرد که معنویت‌گرایی و سعادت‌طلبی جامعه ایرانی و اسلامی یکی از دغدغه‌های اصلی آنها بوده است. همچنین می‌توان گفت که بین مؤلفه کارآمدی نظام با معنویت‌گرایی و سعادت‌طلبی ارتباط وثیقی وجود دارد و هرچه مدیران نظام اسلامی در ساحت‌های گوناگون الهی‌تر، معنویت‌گراتر، ارزشی‌تر، رؤف و متواضع و دارای شرح صدر و شکیبایی باشند در مدیریت و پویاسازی نظام تولید و توسعه ثروت‌های مادی و معنوی جامعه موفق‌ترند (درودگر، ۱۳۸۲: ۵۷).

اگرچه دستاوردهای معنوی و مادی انقلاب طی چهار دهه گذشته محصول همین معنویت‌گرایی و سعادت‌طلبی است، رهبری معظم انقلاب (مدظله) در چشم‌انداز آینده تمدنی انقلاب در بیانیه گام دوم نیز آن را یک پیشران اساسی تعبیر کرده‌اند. اهمیت این مسئله زیربنایی از منظر رهبر معظم انقلاب (مدظله) به گونه‌ای است که آن را «جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه» تعبیر کرده‌اند. علاوه بر اینکه دولت تراز انقلاب و حکمران سیاسی باید به این ارزش گران‌بها مزین باشد، در این بیانیه که منشور آینده انقلاب را یادآوری می‌کند علاوه بر اینکه ترویج معنویت‌گرایی و سعادت‌طلبی وظیفه و جهاد همگانی است ولی «بدون همراهی حکومت‌ها توفیق چندانی نخواهد یافت».

۲. علم‌گرایی

در قرآن کریم در سه سوره و چهار آیه (جمعه: ۲، آل‌عمران: ۱۶۴، بقره: ۱۵ و ۱۲۹) آموزش علم و پرورش نفوس انسان‌ها از مهم‌ترین اهداف بعثت انبیا معرفی شده است. نبی مکرم اسلام (ص) نیز تعلیم را از اهداف مهم رسالت خویش می‌داند «وَلَكِنْ بِالَّتَّعْلِيمِ أُرْسِلْتُ» (بحارالانوار، ج: ۲۶۹). از نظر اسلام علم‌آموزی و تعلیم نه تنها امری پسندیده است، بلکه از واجبات دین نیز به‌شمار می‌رود و آیات و روایات متعددی بر آن دلالت و تأکید دارند. در دوران رشد و اعتلای تمدن اسلامی هم یکی از مؤلفه‌های پیش‌برنده و سازنده آن، توجه به عالمان و تکریم جایگاه علم است؛ به گونه‌ای که، ثروتمندان اموال خود را صرف امور

خیریه علمی می‌کردند و نیکوکاران با خرید کتاب و اهدای آن به کتابخانه‌ها نقش بسزایی در شکوفایی تمدن نوین اسلامی ایفا کردند (غنیمه، ۱۳۶۴: ۳۰۴).

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی هم با نظر داشتن عقب‌افتادگی تاریخی ایرانیان از قافله پیشرفت علمی جهانی، گام‌های بزرگی برای جبران این عقب‌افتادگی برداشته شده است که از جمله آن می‌توان به افزایش کمیت و کیفیت دانشگاه‌ها و میزان دانشجویان و اعضای هیئت علمی طی چهل سال اخیر اشاره کرد. در واقع، یکی از پیشران‌های عمده تمدن‌سازی نوین اسلامی علم‌گرایی در مسیر دستیابی به اهداف متعالیه بشری خواهد بود. رهبر معظم انقلاب (مدظله) طی سه دهه گذشته با رهنمودها، جهت‌دهی و تاثیرگذاری بر سیاست‌گذاری‌های کلان نظام آموزشی و توجه شایسته به مؤلفه علم‌گرایی، نقش بسزایی در دستیابی به پیشرفت علمی کشور داشته‌اند؛ به گونه‌ای که، جایگاه برتر رشد علمی امروز ایران در جهان اسلام مدیون ریل‌گذاری صحیح این سیاست‌گذاری‌هاست.

در بیانیه گام دوم انقلاب هم یکی از الزامات برجسته حکمرانی امروز و آینده انقلاب توجه و تأکید بر مؤلفه «علم‌گرایی» است. در منطق رهبری معظم انقلاب (مدظله) طلیعه خورشید انقلاب زمینه را برای استقلال فکری و علمی جامعه ایرانی مهیا کرد و «موتور پیشران کشور در عرصه علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی شد که تاکنون ثمرات بالنده آن روز به روز فراگیرتر می‌شود».

در واقع، علم‌گرایی علاوه بر آنکه در حکمرانی سیاسی تراز انقلاب پیشران به‌شمار می‌رود، در تداوم و تضمین حرکت استقلال‌طلبانه انقلاب اسلامی در دهه‌های آینده نیز ضروری خواهد بود.

۳. آرمان‌گرا و دارای بینش تمدنی

از ابتدای حیات انسانی، اندیشه آرمانی از نیرومندترین انگیزه‌های تکاپوی انسان و همراه و همزاد او بوده است تا با تکیه بر آن، بتواند بر مصائب و موانع سر راه خود چیره شود و به جامعه کامل و سعادت‌مند که استعدادهايش شکوفا و نیازهای او تأمین شود، دست یابد (محمدیان مصمم و ضرغامی، ۱۳۹۶: ۵۶). به همین دلیل است که دستیابی به جامعه مطلوب که در ادبیات ملت‌ها آن را مدینه فاضله، اتوپیا یا آرمان‌شهر نام، یده‌اند از خواست‌ها



و آرزوهای مکتوم یا مصرح مصلحان و خیرخواهان اجتماعی بوده است (سعیدی روشن، ۱۳۹۳: ۶۲). بنابراین، آرمان‌شهر یا همان شهر آرزوها از دیرینه‌ترین مفاهیم در زندگی بشر روی این کرهٔ خاکی است و حتی می‌توان ادعا کرد که این مقوله عمری به درازای تمدن بشری دارد. آموزه‌های قرآنی و دینی آرمان‌شهر اسلامی را بر مبنای پیشرفت مقبول و مطلوب جامعه براساس نگرش توحیدی تعریف کرده است که در آن، ارزش‌ها زمینهٔ سعادت و تقرب انسان‌ها به هدف والای خلقت را فراهم می‌کنند (سعیدی روشن، ۱۳۹۳: ۶۲). انقلاب اسلامی ایران رخدادی بی‌نظیر بر مبنای آموزه‌ها و مبانی قرآنی - اسلامی است و دربرگیرنده و حامل آرمان‌ها و ارزش‌های والای الهی و انسانی است. در واقع، این ارزش‌ها همان خواسته‌ها، باورها و ارادهٔ ملت برای دگرگونی ساختار سیاسی و طراحی ساختار جدید با توجه به آنها بود. آرمان‌های ملت ایران برای در انداختن طرحی نو در جهان در ۱۳۰ سال گذشته بر محور دین و معنویت و اسلام‌خواهی، آزادی و مردم‌سالاری و رهایی از سلطهٔ استعمار با کسب استقلال همه‌جانبه بوده است. ملت ایران با مجاهدت‌ها و جنبش‌هایی مانند تنباکو، جنبش مشروطه، نهضت ملی کردن صنعت نفت و دیگر قیام‌ها به این آرمان‌ها دست نیافت؛ ولی، در انقلاب اسلامی با هدایت و رهبری امام خمینی (ره)، اتحاد همه‌جانبه و مشخص کردن مسیر مبارزه، راه رسیدن به این آرمان‌ها را در قیام بر ضد رژیم پهلوی و محو سلطنت و تأسیس جمهوری اسلامی دید. یکی از تفاوت‌های بزرگ انقلاب اسلامی با دیگر انقلاب‌های جهان محدود نکردن مفاهیم انقلاب در افق زمانی معین و محدود و همچنین محصور نکردن آن در بعد اندیشه‌های مادی‌گرایانه و روزمره است. آرمان‌شهر انقلاب اسلامی احیای تفکر و دستیابی به تمدن نوین اسلامی است. بی‌شک دستیابی به این آرمان‌شهر ملزوماتی دارد که باید در جای خود به آن پرداخته شود. بدیهی‌ترین ملزومات آرمان‌شهر تمدن نوین اسلامی التزام و اعتقاد حکمران سیاسی به داشتن بینش تمدنی است و پس از آن، تمام جهت‌گیری‌های نظام اسلامی در تمام حوزه‌ها و عرصه‌ها و برنامه‌ریزی‌ها برای تحقق این تصویر مطلوب به کار گرفته خواهد شد.

درحقیقت، اگر بخواهیم با نگاهی فراتر از الفاظ و معنای موجود به بیانیهٔ گام دوم انقلاب بنگریم، بدون شک عصاره و کلیدواژهٔ این بیانیه را می‌توانیم تصویرپردازی اهداف متعالی آیندهٔ انقلاب یعنی دستیابی به تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (عج)



بدانیم و به یقین، برداشتن گام‌های بزرگ مدنظر انتظار رهبری انقلاب بدون شکل‌گیری دولت تراز انقلاب اسلامی که سومین مرحله دستیابی به تمدن نوین اسلامی است، میسر نخواهد شد.

۴. قانون‌گرا و فساد ستیز

قانون‌مندی و فسادناپذیری کارگزاران نظام سیاسی از شاخص‌های حکمرانی خوب و درمقابل قانون‌گریزی و رواج فساد از نشانه‌های حکمرانی بد شمرده می‌شود (سردارنیا، ۱۳۹۵: ۱۰۲). در نظریه حکمرانی شایسته اسلامی برگرفته از دولت‌های نبوی و علوی قانون‌مندی و فسادستیزی از اولویت‌های ویژه‌ای برخوردار بوده است. گواه این ادعا بهره‌مندی نبی مکرم اسلام (ص)، که نخستین زمامدار جامعه اسلامی بود، همپای افراد عادی از بیت‌المال، و پرهیز از تجمل و عدم دل‌بستگی به مادیات است؛ به گونه‌ای که، موجب اعتراض همسران ایشان می‌شد تا جایی که آیات ۲۸ و ۲۹ سوره احزاب مسئله تخیر همسران ایشان (نسبت به ادامه زندگی یا جدایی از پیامبر) را مطرح ساخته است (درخشه و موسوی‌نیا، ۱۳۹۷: ۱۳) نمونه‌های بسیاری از قانون‌گرایی و فسادستیزی در سنت و سیره اسلامی درخور ذکر است - مقابله با سوءاستفاده کارگزاران از قدرت و اعتماد عمومی برای منافع شخصی در حکومت حضرت علی (ع) - به گونه‌ای که این مؤلفه شاخص مهم و نهاده شده در حکمرانی شایسته اسلامی تثبیت شده است. البته، در حکمرانی شایسته منظور از قانون‌مداری، اعمال قوانین الهی در همه عرصه‌های حکومتی و همه افراد جامعه است و از نظر بنیایی با قانون‌مداری در نظریه حکمرانی خوب متمایز است (حسینی تاش و علی واثق، ۱۳۹۳: ۲۸-۷) با این حال، پژوهشگران و صاحب‌نظران بر این باورند که رابطه و اثرگذاری مستقیمی درباره قانون‌گرایی و مقابله با فساد و کاهش آن وجود دارد (پاپ، ۱۳۸۵: ۲۴۲-۲۱۷).

در رفتار و منش رهبران انقلاب اسلامی هم که به‌طور کلی، دارای پشتوانه فقهی و برگرفته از سیره معصومین (س) است تأکیدات مکرری بر قانون‌گرایی و مقابله با فساد در نظام اسلامی طی چهل سال اخیر شده است. برای نمونه، صدور فرمان هشت ماده‌ای حضرت امام خمینی (ره) خطاب به رئیس دیوان عالی وقت کشور و نخست‌وزیر وقت در ۲۴ آذرماه سال ۱۳۶۴ و یا فرمان هشت ماده‌ای رهبری انقلاب (مدظله) در ۱۰ اردیبهشت ۱۳۸۰ درباره التزام به قانون‌گرایی و مقابله همه‌جانبه با فساد اشاره کرد.

یکی از الزامات تحقق نظریه حکمرانی شایسته در متن بیانیه گام دوم انقلاب را هم می‌توان



قانون‌گرایی و فسادستیزی به‌شمار آورد. رهبر معظم انقلاب (مدظله) با تأکید بر اهمیت دوچندان مبارزه با فساد در نظام اسلامی و لزوم وجود دستگاهی کارآمد و قاطع در درون قوای سه‌گانه کشور و همچنین با غیرقابل قبول دانستن هر میزانی از فساد در داخل نظام بر این امر تأکید دارند که «طهارت اقتصادی شرط مشروعیت همه مقامات حکومت جمهوری اسلامی است» در واقع، رهبری علاوه بر دعوت مسئولان کشور به رعایت تقوا و امانتداری درباره پیشگیری از فساد بر وجود «دستگاه‌های نظارتی و دولتی [که] باید با قاطعیت و حساسیت، از تشکیل نطفه فساد پیشگیری و با رشد آن مبارزه کنند» در متن بیانیه گام دوم تأکید و تصریح دارند.

۵. انقلابی، جوان و جهادگر

تأمل و تدبر در منظومه فکری رهبران انقلاب بیانگر آن است که داشتن ویژگی انقلابی‌گری تنها به دوران شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اختصاص ندارد؛ بلکه، راه و رمز دستیابی به آرمان‌های انقلاب در مراحل بعدی در گرو انقلابی ماندن و انقلابی عمل کردن است. در اندیشه سیاسی حضرت امام (ره) می‌توان ویژگی‌هایی نظیر حفظ حدود و ثغور، پرهیز از هرج و مرج‌گرایی، داشتن روحیه ساده‌زیستی و نفی اشرافیت، داشتن روحیه استقلال‌طلبی، خیرخواهی و مهرورزی با مردم و ... را از نشانه‌های تفکر انقلابی برشمرد (موسوی خمینی، روح‌الله، ۱۳۷۴، ج ۱۰: ۱۳۷؛ ج ۱۹: ۱۱؛ ج ۳: ۱۶۴؛ ج ۷: ۲۵۳). رهبر معظم انقلاب (مدظله) نیز در جمع هزاران نفر از مردم در حرم حضرت امام (ره) پنج شاخص پایبندی به ارزش‌های اساسی اسلام و انقلاب، تقوای دینی و سیاسی، پایبندی به استقلال کشور، حساسیت در برابر دشمن و نقشه دشمن و تبعیت نکردن از آن و هدف‌گیری آرمان‌های انقلاب و همت بلند برای رسیدن به آنها را از شاخص‌های انقلابی‌گری در آغاز پنجمین دهه از عمر انقلاب اسلامی می‌داند (بیانات رهبر معظم انقلاب (مدظله)، ۱۳۹۶/۰۳/۱۴).

از سوی دیگر، می‌توان تفکر جهادی را ذیل تفکر انقلابی‌گری تعریف کرد و مدیریت جهادی را نوعی از مدیریت دانست که با عشق و ایمان به خدا، بادشمن‌شناسی و گام‌های بلند و دارای شتاب، مدبرانه و با روحیه خستگی‌ناپذیری به سمت آرمان بزرگ انقلاب (ایجاد تمدن نوین اسلامی) حرکت می‌کند. مؤلفه‌های این سبک از مدیریت را می‌توان برطبق قرآن کریم،

روایات و بیانات رهبران انقلاب اسلامی مشتمل بر مؤلفه‌هایی نظیر توکل، ایمان و اخلاص، نظم، پرهیز از اسراف، ساده‌زیستی، درایت و تدبیر، روحیه حزب‌اللهی و ارزش‌گرایی معنوی و ... دانست (مظفری و محمدی، ۱۳۹۵: ۵). وجه مشترک و ربط‌دهنده انقلابی‌گری و مدیریت جهادی در بیانیه گام دوم انقلاب از نظر رهبری معظم انقلاب (مدظله) جوانان هستند. اگر نسل اول انقلاب را بنیان‌گذاران و شکل‌دهندگان به انقلاب و نسل دوم انقلاب را تثبیت‌کنندگان انقلاب بدانیم، نسل سوم انقلاب که امروز جوانان مؤمن و متعهد انقلابی در کلام رهبری (مدظله) هستند را باید پژوهش‌کنندگان آرمان‌های انقلاب در دهه‌های آینده به‌شمار آوریم. در واقع، مخاطب اصلی بیانیه جوانان هستند که وظیفه برآورده کردن اهداف عالی انقلاب برعهده آنها گذاشته شده است که با حفظ تفکر انقلابی و مدیریت جهادی خواهند توانست آرمان‌های عظیم به تصویر کشیده شده انقلاب را برآورده سازند. با پذیرش چنین پیش‌فرضی یکی از الزامات تحقق حکمرانی تراز انقلاب شکل‌گیری دولت جوان انقلابی در آینده خواهد بود؛ دولتی که با داشتن مؤلفه‌های انقلابی و نگاه جهادی با بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود کشور، که رهبری انقلاب هم در متن بیانیه آنها را برشمرده‌اند، بتواند تصویر مطلوب انقلاب برخاسته از آرمان‌های بزرگ را به ظهور برسانند.

۶. مشارکت جو و مردم‌گرا

یکی از ویژگی‌های ساختار حکومت‌های دموکراتیک امروزی تعبیه راه‌هایی برای اعمال نظر مردم در عرصه سیاست و به تعبیری مشارکت آنهاست. به‌طور معمول، مشارکت مسالمت‌جویانه مردم در امور و فرایندهای سیاسی که نهادینه شده‌اند از طریق قالب‌هایی مانند انتخابات یا فراندوم صورت می‌پذیرد. در واقع، یکی از ابزارهای ثبات سیاسی سیستم‌های حکومتی برگزاری انتخابات است که از طریق کارکردهایی مانند تطبیق با تغییرات محیطی، پرهیز از منازعات خشونت‌آمیز و افزایش کارایی و مشروعیت سیستم سیاسی به ایجاد امنیت فضایی کشورها کمک شایانی خواهد کرد و از آشفتگی‌های سیاسی و پدیدارشدن نظام‌های غیردموکراتیک جلوگیری خواهد کرد (بنی‌هاشمی، ۱۳۹۵: ۵۰-۳۸).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، یکی از اصلی‌ترین سازکارهای شرکت مردم در سرنوشت خویش، برگزاری انتخابات بوده است. جمهوری اسلامی ایران در زمینه تعداد مراجع به آرای



عمومی در بالاترین سطح کشورهای جهان قرار می‌گیرد. دلیل اصلی این امر را می‌توان جایگاه حق انتخاب مردم دانست. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصول زیادی مکانیزم یادشده در مشارکت سیاسی را بیان کرده است؛ از جمله آنها اصول ۶، ۷، ۶۲، ۸۷، ۹۱، ۱۰۰، ۱۰۷ و ۱۱۴ قانون اساسی است که به‌طور مستقیم به اصل انتخابات یا به‌طور جانبی به این موضوع پرداخته است. برطبق بررسی‌ها با احتساب برگزاری فرادام‌ها جمهوری اسلامی تا سال ۱۳۹۸ در طول ۴۰ سال از حیات سیاسی خود ۳۷ بار برای تعیین ساختار و اداره امور کشور به انتخابات مراجعه کرده است و نمودار منحنی درصد مشارکت انتخاباتی در جمهوری اسلامی ایران میانگین حدود ۶۰ درصد را نشان می‌دهد (بنی‌هاشمی، ۱۳۹۵: ۱۳۱-۱۲۷).

بیانیه گام دوم انقلاب با اختصاص دادن مباحثی به این مهم، یکی از دستاوردهای انقلاب اسلامی را به اوج رساندن مشارکت مردمی و مسابقه خدمت‌رسانی به مردم می‌داند. در واقع، در افق نگاه رهبری معظم انقلاب (مدظله) در متن بیانیه گام دوم، مشارکت مردم در امور تنها به شرکت در انتخابات محدود نمی‌شود؛ بلکه، حضور مردم در میدان سیاست جلوه‌های گسترده‌تری نظیر مقابله با فتنه‌ها، حضور مردم در صحنه‌های ملی و استکبارستیزی و موضوعات اجتماعی نظیر کمک‌رسانی و فعالیت‌های نیکوکاری و همدلی در حوادث طبیعی و کمبودهای اجتماعی را دربرمی‌گیرد. درحقیقت، از منظر رهبران انقلاب، حضرت امام (ره) و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله)، رمز اصلی ماندگاری انقلاب باوجود همه دشمنی‌های نظام سلطه حضور مردم در صحنه و دفاع همیشگی آنها از آرمان‌های انقلاب با همه فرازونشیب‌ها و کاستی‌های موجود است و بدون شک حکمرانی دولت تراز انقلاب هم برای پیشبرد امور خود باید از ظرفیت‌های این انقلاب مردمی به‌نحو مطلوب استفاده کند تا به دستیابی به آرمان‌های انقلاب سرعت ببخشد.

۷. عدالت‌خواه و محرومیت‌زدا

مسئله عدالت همواره یکی از مهم‌ترین آرمان‌های انسانی و دغدغه‌های ادیان الهی و اندیشمندان سیاسی بوده و وجود مقررات و قوانین عادلانه در روابط و مناسبات افراد و گروه‌ها امری ضروری بوده است. خداوند متعال هم فلسفه رسالت پیامبران را برپایی و اقامه عدل بیان می‌کند (حدید: ۲۵) و به‌صراحت اعلام می‌دارد که هدف از مبعوث ساختن پیامبران، برقراری عدالت اجتماعی در بین مردم براساس کتاب‌های آسمانی قوانین و احکام الهی است

(اسلامی، ۱۳۷۵: ۵۱۶-۵۱۳). در متون و روایات اسلامی عدالت اساس و قوام عالم، عامل بقای دولت‌ها و ضامن استمرار حیات ملت‌هاست. در فلسفه نظام سیاسی تشیع عدالت زیربنا و محور اصلی شکل‌دهنده آن است و از جمله شرایط مشترک زمامداران (نبی، معصوم و ولی در عصر غیبت) که مشروعیت ولی در عصر غیبت در گرو دارا بودن این ویژگی است. با این نگاه به مقوله عدالت می‌توان گفت فلسفه وجودی انقلاب اسلامی که با ایدئولوژی و ارزش‌های خاص دینی و طرح اندیشه نظام ولایی بوقوع پیوست، دوام و پایداری آن نیز به این ضرورت‌های واقعی و حیاتی وابسته است؛ از جمله این آرمان‌ها عدالت‌گستری است که سنگ زیربنای اندیشه انقلاب اسلامی است و بدون فهم آن درک صحیح از اسلام و انقلاب ممکن نخواهد بود (فخر رازی، ۱۳۸۸: ۳۲ - ۰۳۷).

اهمیت مقوله عدالت به گونه‌ای است که قانون اساسی جمهوری اسلامی فقاهت و عدالت را از جمله ویژگی‌های ولی فقیه می‌داند و اگر حاکم جامعه اسلامی این دو شرط را نداشته و در رأس قدرت قرار بگیرد حاکمیتش مشروع نیست؛ بنابراین، زمامداران نظام سیاسی در جمهوری اسلامی موظف اند عدالت را در انواع و اقسام آن در دستور کار و برنامه‌های خود قرار دهند.

در پرتو نگاه عدالت‌خواهانه و با درک عقب‌افتادگی‌های کشور در طی دو بیست سال اخیر در همه ابعاد در قافله پیشرفت جهانی است که بعد از انقلاب اسلامی نهضت خدمت‌رسانی و محرومیت‌زدایی در کشور شکل می‌گیرد. نظام جمهوری اسلامی با وجود همه تحریم‌ها و دشمنی‌های ظالمانه نظام سلطه دستاوردهای درخور توجهی به دست آورده است؛ ولی، به تعبیر رهبری انقلاب (مدظله) تا رفع کامل محرومیت، فاصله زیادی وجود دارد؛ بنابراین، از الزامات تحقق حکمرانی شایسته تراز انقلاب شکل‌گیری دولتی عدالت‌گرا بر طبق آموزه‌های اسلامی و منویات حضرت امام (ره) و رهبری معظم انقلاب (مدظله) است که خدمت‌رسانی و محرومیت‌زدایی را در دستور کار خود قرار دهد. در متن بیانیه گام دوم به لحاظ اهمیت موضوع یکی از توصیه‌های هفت‌گانه به مسئله عدالت‌خواهی و همچنین محرومیت‌زدایی اختصاص یافته و این‌گونه تصریح شده که «در جمهوری اسلامی، دل‌های مسئولان به‌طور دائم باید برای رفع محرومیت‌ها بتپد و از شکاف‌های عمیق طبقاتی به شدت بیمناک باشد». تحقق عدالت به صورت‌های گوناگون در قوانین تکرار شده ولی انتظار تحقق مطلوب این امر



ازسوی رهبر انقلاب به «جوانان مؤمن و انقلابی و دانا و کاردان» سپرده شده است که باید زمام امور به آنها واگذار شود.

۸. شفافیت و سلامت مالی

شفافیت از جمله موضوعات اساسی و کلان در حکومت‌های مردم‌سالار برای اداره امور کشور و اصلاح نارسایی‌ها و کاستی‌های مدیریتی آن است و در پرتو وجود شفافیت، رابطه بین حکومت و شهروندان نیز تقویت می‌شود. این اصل هم در نظریه حکمرانی خوب و هم در نظریه حکمرانی شایسته اسلامی پشتوانه و مبانی تئوریک عمیق دارد و در عالم سیاست نیز توجه و استقبال روزافزون مردم را جلب کرده است. باتوجه به احادیث متعدد در آموزه‌های دین مبین اسلام، اصل عدم احتجاج زمامداران از مردم (نهان شدن از مردم و ارتباط نداشتن با آنها) یک اصل پذیرفته شده است و با اصطلاح امروزی شفافیت قرابت فراوانی دارد (طاهری و ارسطا، ۱۳۹۵: ۵ - ۶).

مبنای شفافیت در اسلام را می‌توان اصل شورا و مشورت در نظر گرفت که زمینه مشارکت همه شهروندان و طرف قرارگرفتن آنها در سیاست‌گذاری‌ها را فراهم می‌سازد. در تاریخ صدر اسلام، نمونه‌های متعددی از طرف مشورت قرارگرفتن مردم می‌توان مشاهده کرد (مشورت پیامبر با اصحاب در غزوه بدر درباره اصل جنگ، مشاورت با اصحاب در جنگ احزاب و یا مشورت با آنها در صلح حدیبیه و...). از شاخص‌های شفافیت در حکومت اسلامی علاوه بر طرف مشورت قرارگرفتن مردم می‌توان وجود شبکه نظارتی به منظور جمع‌آوری اطلاعات درباره عملکردها، حسابرسی از کارگزاران، به کارگیری نظارت مردمی، وجود سامانه قضایی مستقل و کارآمد در حوزه عدالت قضایی، لزوم پاسخ‌گویی به مردم و داشتن ارتباط مستمر و بدون واسطه با آنها و... را به‌شمار آورد (حبیب‌نژاد و عامری، ۱۳۹۵: ۲۳). از آثار شفافیت از منظر تفکر اسلامی می‌توان به جلوگیری از فساد (که معمولاً در محیط‌های غیرشفاف و با نام محرمانگی شکل می‌گیرد)، دفع شبهات و احتراز از سوءظن، کسب اعتماد و رضایت عمومی، نزدیکی مردم به حکومت و... اشاره کرد (طاهری و ارسطا، ۱۳۹۸: ۹۱ - ۹۷).

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم اصولی مانند اصل ۴۹ (اعاده ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوءاستفاده از موقوفات، سوءاستفاده



از مقاطعه‌کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی، دایرکردن اماکن فساد و موارد غیرمشروع دیگر را گرفته و به صاحب حق یا به بیت‌المال) و یا اصل ۱۴۲ درباره رسیدگی به اموال مسئولان قبل و بعد از مسئولیت و ... اشاره کرد. در بیانیه گام دوم رهبری معظم انقلاب (مدظله) از بحث شفافیت و سلامت مالی مسئولان نیز در دولت شایسته تراز انقلاب اسلامی مباحثی اختصاص یافته و طهارت اقتصادی و پاسخگویی به مردم را از الزامات حکمران سیاسی در نظام جمهوری اسلامی می‌داند.

۸. مسئولیت‌پذیر، خدمتگزار و شایسته‌سالار

یکی از تفاوت‌های اصلی جهان‌بینی اسلامی با مکتب‌های اومانیستی دنیای امروز، در نوع نگاه آنها به انسان و حیطة وظایف و اختیارات اوست. در جهان‌بینی اسلامی و براساس آموزه‌های قرآنی و روایی مسئولیت انسان در حوزه‌های گوناگون تعاملات روزمره او گسترده است و انسان از آن‌رو که خلیفه الله و خلق شده از فطرت پاک الهی است، مسئولیت‌های ویژه‌ای در ارتباط با خداوند خویش، انسان‌های دیگر و جهان هستی دارد که در صورت توجه، پذیرش و شکوفاسازی همه آنها، زندگی آدمی، نظامی مطلوب به خود می‌گیرد و انسان به کمال شایسته خود رهنمون می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۵۵). در نظام‌های غربی ملاک واگذاری مسئولیت‌ها به حکمرانان براساس قانون و تخصص تعیین می‌شود؛ ولی در نظام اسلامی علاوه بر وجود قانون و همچنین اعتقاد به تخصص، به ملاک‌های دیگری نظیر تقوا، حسن خلق مسئول و ... توجه می‌شود و توفیق شخص در ارتباط با خدمتگزاری و خدمت‌رسانی به مردم نعمت و همدردی با عبادات شمرده شده است.

در نظام اسلامی، مسئولیت و مظاهر وظایف کارگزاران در برابر مردم را می‌توان شامل مواردی نظیر مهرورزی و مدارا با مردم، برخورد صادقانه با آنها، دیدار حضوری و چهره‌به‌چهره با مردم و تلاش برای حل مشکلات و رفع آنها، رعایت عدالت میان مردم از سوی کارگزار، امانت‌داری، ساده‌زیستی و پرهیز از اشرافی‌گری، خودمحوری و استبدادی عمل نکردن آنها و ... دانست.

ازسوی دیگر، یکی از اهداف انقلاب اسلامی ایران نیز مبنا قراردادن فرهنگ و معارف اسلامی در همه شئون فردی و اجتماعی در کشور است و شایسته‌سالاری هم در کنار



مسئولیت‌پذیری و خدمتگزاری از جمله موضوعاتی است که در اعتقادات، باورها و فرهنگ غنی ایرانی-اسلامی ریشه دارد. اهمیت شایسته‌سالاری تا آنجاست که رمز توسعه‌یافتگی و پیشرفت روزافزون تمام ملت‌های جهان شمرده می‌شود که این نیز خود نیازمند ترویج فرهنگ شایسته‌سالاری در کشور است (حبی، ۱۳۹۰: ۲۵). قانون اساسی هم ملاک‌ها و معیارهای بسیاری برای مسئولیت‌پذیری کارگزاران در نظام اسلامی مانند صلاحیت علمی، عدالت و تقوای الهی، بینش سیاسی-اجتماعی و ویژگی‌های شخصیتی مانند شجاعت، مدیریت و ... معین کرده است تا فرهنگ شایسته‌سالاری در کل جامعه تسری یابد (قانون اساسی، اصول ۳، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۱۵ و ...).

یکی از راهبردهای رهبری معظم انقلاب (مدظله) در بیانیه گام دوم تبیین و تشریح وضعیت کشور در شرایط انقلابی، احصای دستاوردهای انقلاب، تبیین شرایط موجود و ظرفیت‌ها و استعدادهای کشور برای انتقال فرایند مسئولیت‌پذیری نسل جوان در دهه پیش‌رو و دهه‌های آینده است. در واقع، علاوه بر تصویرسازی از آینده که شاکله اصلی بیانیه گام دوم، که همان ترسیم چشم‌انداز متعالی انقلاب - برپایی تمدن نوین اسلامی - است، روح حاکم بر بیانیه آماده‌سازی نسل جوان برای پذیرش مسئولیت‌ها و خدمتگزاری به کشور است. در اندیشه رهبری انقلاب، به مقوله مسئولیت‌پذیری و خدمتگزاری جوانان در همه ابعاد به کشور نوعی جهاد تعبیر شده است؛ برای مثال، در متن بیانیه درباره دعوت جوانان به جهاد علمی می‌فرماید: «اینک مطالبه عمومی من از شما جوانان آن است که این راه را با احساس مسئولیت بیشتر و همچون یک جهاد در پیش گیرید». از آنجاکه، در اندیشه رهبری راه حل غلبه بر مشکلات و موانع پیش‌روی کشور مدیریت جهادی و کارآمد با به‌کارگیری جوانان مؤمن و انقلابی است، یکی دیگر از الزامات تحقق حکمرانی شایسته تراز انقلاب مؤلفه مسئولیت‌پذیری و خدمتگزاری خواهد بود.

۹. معتقد به اقتصاد مقاومتی

اعمال تحریم‌های یک‌جانبه و غیرقانونی همواره یکی از ابزارهای نظام سلطه برای وادار ساختن ایران به عقب‌نشینی از اهداف خود در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است و ایالات متحده آمریکا، که پیشتازان عرصه اعمال تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی در طی چهل

سال گذشته است، از اعمال هیچ تحریمی دریغ نکرده است. درمقابل اتخاذ چنین رویکرد ظالمانه‌ای، رهبری معظم انقلاب (مدظله) با شناسایی دقیق و حکیمانه نقاط آسیب‌پذیر کشور به‌ویژه، در بحث اقتصاد، راهبرد اقتصاد مقاومتی را مطرح کرده‌اند و آن را روشی مهم در مسیر اقتصادی کشور دانسته‌اند.

البته، نباید از این نکته هم غفلت کرد که یکی از الزامات اصلی انقلاب اسلامی تکیه نکردن بر نظریه‌های رایج و متعارف و مکلف‌بودن آن به نوآوری و نظریه‌پردازی و الگوسازی در عرصه‌های گوناگون است که الگوی اقتصاد مقاومتی یکی از این مفاهیم است (فشاری و جوادپور، ۱۳۹۳: ۲۹ - ۴۰).

درواقع، این مدل اقتصادی در رویارویی و تقابل با اقتصاد وابسته و مصرف‌کننده کشور قرار می‌گیرد که منفعل نیست و درمقابل فشارها و اهداف اقتصادی سلطه‌گران ایستادگی می‌کند و در تغییر ساختارهای اقتصادی موجود و بومی‌سازی آنها براساس جهان‌بینی و اهداف می‌کوشد. از مهم‌ترین محورهای اساسی مدل بومی اقتصاد مقاومتی می‌توان به حمایت از تولید ملی، مردمی‌کردن اقتصاد مبتنی بر سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، توجه به نخبگان اقتصادی و استفاده از فناوری‌ها و تکنولوژی‌های نوین و... اشاره کرد.

سیر جهت‌گیری‌های رهبری انقلاب (مدظله) در سال‌های اخیر هم بیانگر آن است که اقتصاد و مشکلات اقتصادی بر سر راه کشور یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های ایشان است؛ به‌گونه‌ای که، در ده سال اخیر بیشترین فراوانی نام‌گذاری سال‌ها هم به اقتصاد و مشتقات آن اختصاص داده شده است. رهبر معظم انقلاب (مدظله) در بیانیه گام دوم به‌عنوان که سندی راهبردی است، یکی از توصیه‌های مهم خود را به بحث اقتصاد و اقتصاد مقاومتی اختصاص داده است. در متن بیانیه گام دوم، پس از برشمردن مشکلات اقتصادی کشور در سه بخش ساختار اقتصادی معیوب، مشکلات مدیریتی و تحریم‌های ظالمانه راه‌حل این مشکلات را، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی می‌داند که «باید برنامه‌های اجرایی برای همه بخش‌های آن تهیه و با قدرت و نشاط کاری و احساس مسئولیت، در دولت‌ها پیگیری و اقدام شود»

اجرائی شدن این رهنمودها در بیانیه گام دوم انقلاب هم برعهده جوانان مؤمن و انقلابی گذاشته شده که لازمه آن شکل‌گیری و وجود دولت شایسته تراز انقلاب خواهد بود دولتی که با بهره‌گیری از همه استعدادها و ظرفیت‌های کشور که در متن بیانیه نیز تعدادی از آنها برشمرده شده و با اعتقاد به ایده اقتصاد مقاومتی و تکیه بر توان داخلی این مهم را به سرانجام برساند.



ب. ویژگی‌های حکمرانی تراز انقلاب در سطح جهان اسلام

۱. وحدت‌گرا و صلح‌طلب

برخلاف تمایزات حقوق بین‌الملل که واحدهای سیاسی را در قالب رسمی دولت‌ها با تعریف مشخص حاکمیت، سرزمین، جمعیت و ... تعریف می‌کند، در اسلام واحدهای سیاسی در قالب امت تعریف می‌شوند و مرزهای تصنعی جغرافیایی، زبانی، نژادی و قومی اهمیتی ندارند. واحد تحلیل در متون مذهبی اسلامی و براساس هنجارهای موجود نه دولت سرزمین، بلکه امت اسلامی است. درحقیقت، معیار تمایز امت‌ها از یکدیگر نه مرزهای موجود بلکه عامل «مذهب» است و هر گروه یا قومی که به آئین اسلام گرویده باشد، در داخل امت اسلامی قرار می‌گیرد. در آیات و روایات بسیاری، بر امت‌گرایی و مسئولیت مسلمانان در برابر یکدیگر تأکید شده است و مسلمانان به وحدت و همکاری دعوت شده‌اند. در قرآن کریم بیش از پنجاه آیه به موضوع اختلاف، وحدت و روش‌های کسب اتحاد و عوامل اختلاف اختصاص داده شده است (عباسی، ۱۳۹۴: ۷۴). منظور از وحدت این است که فرقه‌های گوناگون مسلمان، یکدیگر را به‌درستی بشناسند و از جهت‌گیری‌ها و مواضع فکری و اعتقادی همدیگر مطلع گردند. وحدت اسلامی به معنی همکاری میان پیروان مذاهب اسلامی براساس اصول مشترک و مسلم اسلامی و درپیش‌گرفتن مواضع یکسان برای دستیابی به اهداف و مصالح والای امت اسلامی و اتحاد در برابر دشمنان در کنار احترام به اعتقاد هر یک از افراد مسلمان و مذهب آنهاست (تسخیری، ۱۳۸۷: ۲۱).

در اصل یازدهم قانون اساسی که برگرفته از آیات قرآنی و مبانی فقهی است، به حکم آیه قرآنی «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» (انبیاء: ۹۲)، همه مسلمانان امت واحدی به‌شمار می‌روند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست‌های کلی خود را برپایهٔ ائتلاف و اتحاد ملت‌های اسلامی قرار دهد و برای تحقق بخشیدن به وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام، پیگیرانه بکوشد (قانون اساسی، اصل یازدهم). رهبران انقلاب اسلامی بر اصل وحدت‌گرایی جهان اسلام تأکید کرده‌اند و جمهوری اسلامی تلاش‌های پیگیرانه‌ای برای تحقق وحدت در سطح جهان اسلام انجام داده است؛ ولی، این تلاش‌ها به علت‌های گوناگون (موانع درونی، سیاسی و فرهنگی و ...) آن‌گونه که باید، به ثمر نرسیده است و اکنون جهان اسلام در بالاترین سطح اختلاف و تشتت قرار گرفته است.



ضرورت وحدت دنیای اسلام و ایجاد امت اسلامی تنها شعار سیاسی و اعتقادی نیست، بلکه شرط اساسی نجات مسلمانان از چنگال نظام سلطه و اولویت برتر جهان اسلام است. در بیانیه گام دوم انقلاب یکی از دستاوردهای انقلاب اسلامی به هم‌ریختن نظم تعریف‌شده قدرت دوقطبی گذشته و شکل‌گیری دوگانه جدید «اسلام و استکبار» بوده است. این پدیده در کانون توجه جهان معاصر قرار گرفته است. از منظر رهبر معظم انقلاب (مدظله) در بیانیه گام دوم، با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، ازسویی، نگاه امیدوارانه ملت‌های زیر ستم و جریان‌های آزادی‌خواه جهان و برخی دولت‌های خواهان استقلال و ازسوی دیگر، نگاه کینه‌ورزانه و بدخواهانه رژیم‌های زورگو و قلد‌های باج‌طلب عالم، به آن دوخته شد. از دیگر آثار و برکات تکیه بر عامل معنوی ایمان و مذهب در انقلاب اسلامی می‌توان به تحرک جدید نهضت بیداری اسلامی براساس الگوی مقاومت در برابر سلطه آمریکا و صهیونیسم، شکست سیاست‌های آمریکا در منطقه غرب آسیا و زمین‌گیر شدن همکاران خائن آنها در منطقه، گسترش حضور قدرتمندانه سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان اشاره کرد. درواقع، امروزه عزت ایران در برابر جهان سلطه، عزت و افتخاری برای همه مسلمانان به‌شمار می‌رود؛ هرچند، سیاست‌های تعدادی از دولت‌های مرتجع جهان عرب در تقابل با این پدیده بزرگ طراحی و تنظیم شود.

۲.۱.۲. ام‌القری و الگو

نظریه ام‌القرای در سال‌های پایانی دهه ۱۳۶۰ درباره چگونگی تجمیع منافع ملی با مصالح اسلامی در سیاست خارجی ایران پدیدار شد. این نظریه بر منطبق واقع‌گرایی بنا شده و مبتنی بر این است که در کوتاه‌مدت منافع ملی و نیازهای داخلی در اولویت قرار گیرد و در بلندمدت باید اهداف جهان‌شمول اسلامی در دستور کار قرار داد. نظریه ام‌القری در میان نظریه‌های حداقلی (مسئولیت دولت اسلامی بیشتر معطوف به داخل) و دیدگاه حداکثری (مسئولیت دولت اسلامی ورای مرزهای ملی) دیدگاه سومی را مطرح کرده است (حقیقت، ۱۳۷۶: ۵۸). براساس این نظریه، اگر کشوری در میان کشورهای اسلامی ام‌القری دارالاسلام (مادر قریه‌ها) باشد به‌گونه‌ای که، شکست یا پیروزی آن، شکست یا پیروزی اسلام به‌شمار آید، حفظ ام‌القری بر هر امر دیگری ترجیح دارد و حتی در صورت لزوم، برای حفظ دارالاسلام،



می‌توان احکام اولیه را تعطیل کرد (لاریجانی، ۱۳۶۹: ۲۰). طبق این نظریه، ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، بدون شک ام‌القری جهان اسلام شده است؛ چراکه، با تأسیس حکومت اسلامی، دو شأن رهبری مردم ایران و رهبری امت اسلامی را یافت. با پذیرش رهبری امت اسلامی (از سوی ملت‌ها) حکومت ایران نیز موظف است علاوه بر منافع ملی، در پی منافع جهان اسلام نیز باشد و ملت‌های دیگر جهان اسلام نیز موظف‌اند از ایران که ام‌القری جهان اسلام است، حمایت کنند (لاریجانی، ۱۳۷۶: ۲۰۶). نظریهٔ ام‌القری شدن ایران در میان امت اسلامی اگرچه به سبب تحولاتی که در دو دههٔ اخیر در جهان اسلام رخ داد، نتوانسته است به صورت کامل عملی شود و تلاش‌های بی‌وقفه‌ای از سوی قطب‌های دیگر قدرت (عربستان سعودی و دولت‌های مرتجع منطقهٔ خلیج فارس) برای مانع شدن از این امر در میان کشورهای اسلامی انجام گرفته است؛ ولی، به علت ماهیت حق طلبانه و ارزش‌گرایانهٔ آرمان‌های انقلاب و پافشاری بر آنها که برگرفته از اسلام سیاسی ناب است، جمهوری اسلامی توانسته است نفوذ فرهنگی و گفتمانی خود را در میان ملت‌های مسلمان بیش از گذشته رواج دهد. کارشکنی‌ها و مانع‌تراشی‌های نظام‌های مرتجع منطقه‌ای و نظام سلطه در مقابل گفتمان حق طلبانه و آزادی خواهانهٔ انقلاب اسلامی نخواهد توانست مانع از تألیف قلوب بین ملت‌های مسلمان با جمهوری اسلامی شود و تنها تأثیر این هجده‌ها و توطئه‌ها به تأخیر انداختن ام‌القری شدن ایران در جهان اسلام است. هر چند که مدت‌هاست که ملت‌ها و جنبش‌های مسلمان و آزادی خواه منطقه، ایران را تنها ملجأ و پناهگاه خود در میان استبدادها و اختناق‌های حکام مستبد منطقه می‌دانند.

در بارهٔ الزامات الگوشدن نظام اسلامی بر طبق بیانیهٔ گام دوم انقلاب، می‌توان گفت که چشم‌انداز آرمان بزرگ انقلاب که همان تأسیس تمدن نوین اسلامی است، تنها به ایران اسلامی منحصر نیست؛ بلکه، این گفتمان تحول‌ساز انقلاب اسلامی است که زمینه‌ها و بسترهای لازم را برای ایجاد این تمدن نوین فراهم خواهد کرد و همهٔ کشورها و ملت‌های مسلمان با همدلی و وفاق سهمی در برپایی این تمدن نوین خواهند داشت. در واقع، امر پس از فراهم شدن زمینه‌های لازم برای نمایان شدن تمدن نوین اسلامی ملت‌های دیگر نیز از ایران اسلامی الگو خواهند گرفت.



۳. امنیت‌زا و مقتدر

یکی از موضوعات اساسی در سیاست خارجی کشورها بحث «امنیت هستی‌شناختی» آنهاست. امنیت هستی‌شناختی منازعات و مناقشات پایدار در روابط بین‌الملل را تحلیل می‌کند. در این دیدگاه، ممکن است این مناقشات منافع فیزیکی و رئالیستی کشورها را با خطر مواجه کند، ولی امنیت هویتی آنها از طریق حفظ شرافت فردی و ملی و نگاه غرورآمیز داخلی و بین‌المللی و پرهیز از شرم و سرافکندگی بین‌المللی را تضمین می‌کند (دهقانی فیروز آبادی و وهاب پور، ۱۳۹۴: ۴۸-۲۷). براساس این نظریه، دولت‌ها علاوه بر تأمین امنیت فیزیکی و پیشینه‌سازی از قدرت مادی به دنبال امنیت هویتی خود، یعنی کلیت یک پارچه، نیز هستند و در عرصه کنش‌گری خود در سیاست خارجی، می‌کوشند تا نگرش خود به دولت و تصویری که دولت‌ها می‌خواهند از آنها داشته باشند را به ظهور برسانند. دولت‌ها که کارگزاران اجتماعی به‌شمار می‌روند به دنبال کنش‌های هستند که نیازهای هویتی آنان را تأمین کند. این کنش‌ها را می‌توان در سه دسته کنش‌های اخلاقی (پرهزینه)، کنش‌های بشردوستانه (ناسازگار با منافع استراتژیک) و کنش‌های شرافتی (کنش‌های خطرناک) دسته‌بندی می‌شوند (استیل، ۱۳۹۲: ۱۵۵).

با تکیه بر این دیدگاه، اگر بپذیریم که سه عامل هویت، قدرت (منافع) و امنیت فرض‌های اصلی گفتمان امنیت هستی‌شناختی سیاست خارجی کشورها را می‌سازند، درباره سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌توان گفت که هر سه عامل هویت (فراملی و ایدئولوژیکی بودن سیاست خارجی و چهره‌سازی از خود) قدرت (اولویت منافع ملی و افزایش قدرت خود در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی) و امنیت (حفظ سرزمین و صیانت از خود) به‌صورت تعاملی و هم‌بسته نقش تعیین‌کننده‌ای در تمام تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی ایران ایفا کرده‌اند (محمدی و حاجی یوسفی، ۱۳۹۷: ۳۴).

انقلاب اسلامی و نظام سیاسی برخاسته از آن با ایجاد قطب جدیدی از قدرت سبب شد تا کنش‌های جدید، بیشتر هویتی، در سیاست خارجی ایران بروز یابند؛ کنش‌هایی که نمی‌توان برپایه منطق (هزینه- فایده) آنها را تفسیر کرد؛ چراکه، منطق و دراصل، گفتمان انقلاب اسلامی کمترین تکیه را بر منافع مادی و عینی دارد و درعین حال، به‌جای نتیجه‌گرایی، تکلیف‌محور است. در چهار دهه گذشته، جمهوری اسلامی در عرصه سیاست خارجی به دنبال آن بوده است تا به‌عنوان کشوری هنجارگرا و همزمان مستقل و مقتدر در جهان اسلام



و نظام بین‌الملل حضور داشته باشد و تبدیل شدن به قدرت فرهنگی و مقتدر در جهان اسلام و عرصه بین‌الملل از اولویت‌های ایران بوده است.

رهبر معظم انقلاب (مدظله) با برآورد دقیق از امنیت هستی‌شناختی انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم بر این امر تصریح می‌فرماید: «انقلاب اسلامی ملت ایران، قدرتمند ولی مهربان و باگذشت و حتی مظلوم بوده است. ... در هیچ معرکه‌ای حتی با آمریکا و صدام، گلوله‌ی اول را شلیک نکرده و در همهٔ موارد، پس از حملهٔ دشمن از خود دفاع کرده و البته ضربت متقابل را محکم فرود آورده است. این انقلاب از آغاز تا امروز نه بی‌رحم و خون‌ریز بوده و نه منفعل و مردد. با صراحت و شجاعت در برابر زورگویان و گردن‌کشان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است. این جوانمردی و مروت انقلابی، این صداقت و صراحت و اقتدار، این دامنهٔ عمل جهانی و منطقه‌ای در کنار مظلومان جهان، مایهٔ سربلندی ایران و ایرانی است، و همواره چنین باد.»

۴. مقاومت گرا (حامی مقاومت)

پیروزی انقلاب اسلامی تحول عظیم و گسترده‌ای در جهان اسلام و همچنین، در نظام بین‌الملل به وجود آورد و معادلات و موازنه‌های تثبیت‌شدهٔ قدرت در نظام بین‌الملل را دچار چالش کرد. اگرچه انقلاب اسلامی پیامدها و بازتاب‌های گسترده‌ای بر جهان اسلام و نظام بین‌الملل گذاشته است ولی یکی از مهم‌ترین پیامدها و بازتاب‌های انقلاب اسلامی در مجموعهٔ جهان اسلام و به‌ویژه، در منطقه غرب آسیا، را می‌توان مقابله با ترتیبات سیاسی آمریکا در این منطقه و تقابل با رژیم صهیونیستی دانست (قاسمی، ۱۳۹۷: ۶). محور مقاومت مبتنی بر گفتمان انقلاب اسلامی و با تأسی از اسلام سیاسی و نقش محوری جمهوری اسلامی ایران شکل گرفته و با این منطق پیوند زیربنایی یافته است که عمق‌بخشی و توسعهٔ امنیت میان ملت‌های مسلمان موجب تقویت امنیت جمهوری اسلامی ایران نیز می‌شود.

اگرچه مقاومت در گفتمان حضرت امام (ره) و رهبری معظم انقلاب (مدظله) مبانی دینی، قرآنی و اسلامی مستحکمی دارد و رفتن به سمت مقاومت امثال امر الهی برای ابلاغ و اجرای دستورات خداوند در جهت بندگی خدا و اجتناب از طاغوت است؛ ولی، شکل‌گیری رسمی ژئوپلیتیک محور مقاومت را می‌توان بیشتر به رویدادهای عرصهٔ بین‌المللی و یک‌جانبه‌گرایی



ایالات متحده آمریکا بعد از حادثه یازده سپتامبر و پیگیری طرح خاورمیانه جدید از سوی آنها مربوط دانست. در شکل‌گیری گفتمان مقاومت و تبدیل آن به جبهه عملیاتی به شکل فعلی عوامل متعددی همانند بی‌توجهی به مسئله فلسطین و رابطه با رژیم صهیونیستی از سوی رژیم‌های مرتجع منطقه، مداخله ایالات متحده و قدرت‌های غربی در تحولات منطقه (اشغال افغانستان و عراق و...) و همچنین ترویج گفتمان استکبارستیزی در بین ملت‌های مسلمان و جنبش‌های اسلامی و تلاش برای کسب هویت مستقل و... تأثیرگذار بوده است. در واقع، جبهه مقاومت که مولد گفتمان سیاسی انقلاب اسلامی است در دو وجه سلبی (نفی سلطه، نفی استکبار و استبداد) و ایجابی (طرح مفاهیمی مانند اسلام‌خواهی، عدالت‌خواهی، استقلال‌طلبی حکومت‌ها و رهایی از وابستگی، آزادی‌خواهی و معنویت‌گرایی) توانسته است مفاهیم و موضوعات را از عرصه نظری به میدان عمل وارد کند (اسدی و رجبی، ۱۳۹۶: ۹۸).

می‌توان گفت که شکل‌گیری جبهه مقاومت که جبهه‌ای عملیاتی است موجب گسترش حوزه و قلمرو امنیت انقلاب اسلامی از سطح ملی به سطح امت اسلامی شد. با فراتر رفتن از مرزهای جغرافیایی ایران به مرزهای جهان اسلام، نظریه صدور انقلاب جنبه عملی به خود می‌گیرد؛ همچنان‌که، رهبر معظم انقلاب (مدظله) در متن بیانیه گام دوم انقلاب بر این امر صحنه گذاشته و بر این باورند که چالش امروز مستکبران «چالش بر سر حضور ایران مقتدر در مرزهای رژیم صهیونیستی و برچیدن بساط نفوذ نامشروع آمریکا از منطقه غرب آسیا و حمایت جمهوری اسلامی از مبارزات مجاهدان فلسطینی در قلب سرزمین‌های اشغالی و دفاع از پرچم برافراشته حزب‌الله و مقاومت در سراسر این منطقه... و یا جلوگیری از انتقال سلاح‌های پیشرفته ایرانی به نیروهای مقاومت است»؛ بنابراین، حکمران سیاسی تراز انقلاب با درک صحیح از جایگاه ایران در معادلات منطقه‌ای و جهانی، برای حفظ منافع انقلاب و ادامه مسیر براساس ارزش‌های اسلامی، از جبهه مقاومت پشتیبانی مادی و معنوی کند.



ج. ویژگی‌های حکمران سیاسی تراز انقلاب در نظام بین‌الملل

۱. پایبندی به قاعدهٔ عزت، حکمت و مصلحت

یکی از ویژگی‌های اندیشهٔ سیاسی رهبری معظم انقلاب (مدظله) در سه دهه رهبری ایشان تاکنون طرح‌کردن، مفصل‌بندی و منسجم‌ساختن گفتمان‌های گوناگون بوده است؛ سه اصل «عزت»، «حکمت» و «مصلحت» هم که از اصول محوری و ثابت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران هستند براساس منویات راهبردی رهبری انقلاب بنا شده‌اند.

عزت به معنای شکست‌ناپذیری و حالتی است که مانع مغلوب‌شدن انسان می‌شود (حق پناه، ۱۳۸۶: ۱۲۸). حکمت به معنای شناخت بهترین دانش‌ها و برگزیدن بهترین روش برای حل مشکلات است (دانشنامهٔ جهان اسلام، حکمت). مصلحت به معنای تقدم منافع اجتماعی و جامعهٔ اسلامی بر مصالح فردی و حزبی - هنجاری دیدن منافع است (افتخاری، ۱۳۹۲: ۸۱). این سه اصل هر یک گوشه‌ای از مثلث سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را شکل داده‌اند که در صورت نقص یکی از آنها اصالت سیاست خارجی زیر سوال می‌رود.

روشن‌ترین مفهوم عزت، حفظ شأن و موقعیت جامعه و دولت اسلامی در نظام بین‌الملل است و بر مسلمانان فرض است که به هر طریق ممکن، عزت خود را در جامعهٔ جهانی حفظ کنند. تعبیر و تفسیر اصل عزت در چهارچوب سیاست خارجی جمهوری اسلامی به‌گونه‌ای است که در سرفصل دهم قانون اساسی بندی با عنوان «نفی هرگونه سلطه‌گری و سلطه‌پذیری و عدم تعهد» اختصاص یافته است و یا در اصل ۱۵۲ و ۱۵۳ نیز با درپیش گرفتن سیاست عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر «هرگونه قرارداد که موجب سلطهٔ بیگانگان بر منابع طبیعی، اقتصادی، فرهنگ و ارتش و دیگر شئون شود ممنوع است». درحقیقت، اصل عزت بیانگر علو و برتری تعالیم اسلامی و بالتبع برتری جوامع اسلامی است (الاسلام یعلو و لایعلی علیه) دولت اسلامی هم نباید به‌گونه‌ای سیاست‌گذاری و رفتار کند که این اصل مخدوش یا کمرنگ شود (رضایی اندیشمند، ۱۳۹۵: ۶ - ۱۰).

وجود اصل حکمت در سیاست خارجی هم بدین معناست که سیاست خارجی در نوسان بین آرمان‌گرایی افراطی و واقع‌بینی محض گرفتار نشود و به بهانهٔ واقع‌گرایی، آرمان‌ها فراموش نشود؛ درعین حال، عقلانیت حکم می‌کند که در پیگیری منافع و مصالح ملی، آرمان‌های افراطی محض خارج از ظرفیت نیز تعقیب نشود بلکه، در دیپلماسی، سیاست آرمان‌گرایی



واقع‌بینانه را درپیش بگیرد که از الزامات دیپلماسی موفق متناسب با سیاست‌گذاری‌های نظام جمهوری اسلامی است. در منظومه اندیشه‌ای رهبر معظم انقلاب (مدظله) حکمت به معنای مستحکم‌ترین افکار و اندیشه‌ها، سخن و عمل سنجیده منبسط بر خرد حکیمانه با در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی و بینشی که می‌تواند حقایق را ماورای غشای مادی آن ببیند تعبیر شده است (رضایی اندیشمند، ۱۳۹۵: ۱۴).

مصلحت هم بر خلاف معنای واژه‌ای آن، به معنای اصالت‌دادن به اصول و آرمان‌های انقلاب اسلامی و تأمین اهداف و منافع ملی با رعایت موازین شرعی و اصول مصرح در قانون اساسی است. مرکز ثقل مصلحت‌گرایی، مصلحت اسلام و نظام جمهوری اسلامی به‌عنوان تنها دولت و حکومت اسلامی - شیعی موجود در جهان معاصر است و اولین و مهم‌ترین مصلحت هم حفظ موجودیت جمهوری اسلامی به‌مثابه ام‌القری و مرکز جهان اسلام است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۲۱۵).

در متن بیانیه گام دوم انقلاب نیز این مبحث یکی از سرفصل‌های توصیه‌های کلیدی را به خود اختصاص داده است که نشان‌دهنده اهمیت پایبندی به این قاعده در سیاست خارجی به‌عنوان قاعده‌ای مبنایی است. رهبر معظم انقلاب (مدظله) یا تبیین دستاوردهای پایبندی به این قاعده تاکنون و در دولت شایسته تراز انقلاب تصریح می‌فرمایند: «دولت جمهوری اسلامی باید مرزبندی خود را با آنها با دقت حفظ کند؛ از ارزش‌های انقلابی و ملی خود، یک گام هم عقب‌نشینی نکند؛ از تهدیدهای پوچ آنان نهراسد؛ و در همه حال، عزت کشور و ملت خود را در نظر داشته باشد و حکیمانه و مصلحت‌جویانه و البته از موضع انقلابی، مشکلات قابل حلّ خود را با آنان حل کند...».

۲. استقلال‌گرا و ضد‌هژمونی

تحولات نظام بین‌الملل از میانه قرن بیستم و بعد از وقوع جنگ جهانی دوم به‌گونه‌ای در سیاست جهانی رقم خورد که شرایط برای ظهور ایالات متحده آمریکا به‌عنوان قدرت برتر نظامی، اقتصادی، فناوری و بالتبع قدرت برتر سیاسی فراهم شد. در اثنای جنگ سرد و با فروپاشی کمونیسم، گفتمان لیبرال دموکراسی آمریکایی با شعار «پایان تاریخ» خود را تنها قدرت هژمونی در سطح بین‌المللی می‌دید و تمام تلاش خود را برای پیاده‌کردن ارزش‌ها



و فرهنگ لیبرال جهانی (نظم نوین جهانی) که به وسیله به اصطلاح امپراطوری آمریکایی هدایت و سازماندهی شود به کار گرفت (خداپرست و اندرزیان، ۱۳۹۷: ۲۰۰).

نکته دارای اهمیت آن است که گفتمان لیبرال دموکراسی آمریکایی بیشتر بر رویکرد سلبی و نفی هویت گفتمان‌های رقیب و مبتنی بر خصومت و تنازع با آنها استوار است و به همین دلیل است که پس از حذف کمونیسم دچار بحران شد؛ از این رو، اندیشمندان غربی با ارائه نظریه‌هایی مانند (برخورد هویت‌های تمدنی رقیب متعلق به باری بوزان، نظریه پایان تاریخ فرانسیس فوکویاما و یا نظریه جنگ تمدن‌های هانتینگتون) تلاش کردند تا رقیب واقعی گفتمان هژمونی لیبرالیسم را شناسایی کنند.

تصویری که نظریه پردازان غربی از آینده هژمونی غرب و ایالات متحده در نظریاتی که به آنها اشاره شد، ارائه داده‌اند مبتنی بر برتری تمدن غربی است؛ بنابراین، وجود تمدن‌های هم‌تراز و یا برتر که بتواند رقیب جدی برای گفتمان آنها باشد را بر نمی‌تابند. پیروزی انقلاب اسلامی از منظر استراتژیست‌ها و نظریه پردازان غربی این انگاره ذهنی رقابت غرب با اسلام که هنوز هم هویتی جمعی، گسترده و قوی دارد را تقویت کرده است (دهقانی فیروزآبادی و اسماعیلی، ۱۳۹۵: ۱۱۵). حقیقت امر آن است که قدرت‌های نوظهوری همچون انقلاب اسلامی با تکیه بر عواملی همانند فرهنگ، مذهب و تمدن بومی و استقلال طلبانه خود توانسته است اهداف ترسیمی هژمونی ایالات متحده را با مانع مواجه کند.

بر اساس منطق یک‌جانبه‌گرایی ایالات متحده آمریکا، نظامی که بعد از جنگ جهانی دوم و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در عرصه بین‌المللی پدیدار شده مبتنی بر نظم تک‌قطبی با محوریت هژمونی این کشور است. این کشور نظامی سلسله‌مراتبی را برای نظام بین‌الملل تعریف کرده است که در رأس آن ایالات متحده (ابر قدرت) و در مراحل بعدی، قدرت‌های بزرگ و سپس، قدرت‌های منطقه‌ای و قدرت‌های ملی قرار می‌گیرند. تصور ایالات متحده بر این پیش فرض استوار است که بازیگرانی که جایگاه آنها به وسیله هژمونی تعریف شده است، موظف‌اند که قواعد بازی را بر اساس ارزش‌ها و قواعد آمریکایی رعایت کنند و در صورتی که هریک از آنها کنشی برخلاف خواست هژمونی انجام دهند، مواخذه می‌شوند و ممکن است به شکل‌های گوناگون مجازات شوند.



درمقابل این مدل، دیدگاه انقلابی معتقد است که نظم و سامان بین الملل کنونی ناعادلانه، نامشروع و ناپسنداست (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۶: ۲۳۷) و برجسته‌ترین رسالت جمهوری اسلامی در جایگاه رهبر جبهه ضد نظام سلطه تلاش برای برپایی ساختار نوین جهانی بر پایه عدالت و احترام متقابل است (عباسی، ۱۳۹۷: ۲۱)؛ چراکه، در هستی شناسی توحیدی و ایدئولوژیکی اسلامی عدالت مبنا و پایه است و سلطه‌گری و عصیان به‌هیچ روی پذیرفته نیست (اسدی و رضایی پناه، ۱۳۹۲: ۱۲).

۳. اخلاق‌گرایی و پابندی به توافقنامه‌های دو جانبه و چند جانبه

دین مبین اسلام همان‌گونه که در عرصه‌های فردی و اجتماعی بشر برنامه و رهنمودهای ویژه دارد، در عرصه روابط بین دولت‌ها نیز رویکردی برطبق اصول و قواعد خاصی دارد. در نگاه هستی‌شناسانه اسلام به روابط بین‌المللی، باید دو موضوع نوع نگاه به انسان و نگاه به سیاست را در نظر گرفت تا دیدگاه اسلام نسبت به محیط بین‌المللی مشخص شود.

نوع نگاه اسلام به انسان برخلاف مکتب‌های رایج در نظام بین‌الملل (مانند آرمان‌گرایی یا واقع‌گرایی) مبتنی بر نوعی فلسفه دوعبدي به وجود اوست؛ در این نگاه، وجود خیر و شر همواره در کنار یکدیگر بر نظام آفرینش سایه افکننده و براساس اصل حکمت بالغه الهی، شر مطلق در نظام آفرینش وجود ندارد؛ بلکه، شر به صورت نسبی همواره مطرح است. اصل بر آن است که نظام هستی هدفدار و غایت‌مند و مملو از خوبی‌ها باشد، ولی در این میان، وجود بدی‌ها را نیز نمی‌توان از نظر دور داشت (مطهری، ۱۳۶۲: ۱۲۵). اسلام درباره ماهیت سیاست نیز اسلام به هر دو بعد مثبت و منفی مسئله توجه می‌کند. از نگاه اسلام، سیاست و قدرت به ذات خود نمی‌تواند مثبت یا منفی باشد، بلکه این هدف سیاست است که چهره واقعی آن را می‌نمایاند. سیاست ابزاری در دست انسان است که اگر به استیلاي غرایز و قوای شهوانی انسان بینجامد، از منظر دینی بی‌ارزش است و اگر این ابزار برای برتری و سیادت قوای عاقله و یا به عبارت بهتر، حاکمیت فطرت انسانی به‌کار گرفته شود، امری درخور توجه است (سجادی، ۱۳۸۱: ۶۹). اسلام براساس این نوع نگاه به سرشت و ماهیت انسان و سیاست تعلیم و آموزه‌های اسلامی، روابط بین‌المللی را با جنگ و صلح همراه می‌داند. از نظر اسلام، جنگ معلول عدم تعادل رابطه فطرت و غرایز انسانی است که در آن غرایز بر فطرت چیره



می‌شود. در روابط خارجی اسلام نه جنگ اصل است (آن‌گونه که رئالیست‌ها می‌اندیشند) و نه صلح همیشگی است (آن‌گونه که ایده‌آلیست‌ها باور دارند)؛ بلکه، از نظر اسلام پدیده جنگ و صلح واقعیت عینی تاریخ بشر را تشکیل می‌دهند. ایده اسلام در روابط بین‌الملل با توجه به رسالت جهانی اش، دعوت همگانی به سعادت و کمال است و در روابط خارجی اش با جوامع بیگانه نیز، اصل را بر همزیستی مسالمت‌آمیز قرار می‌دهد (سجادی، ۱۳۸۱: ۹۷).

رویکرد اسلامی به روابط بین‌الملل درباره نظم، نظام و روابط بین‌الملل مطلوب، هنجاری است. در چهارچوب این نظریه، امکان شکل‌گیری جامعه اخلاقی جهانی واحد براساس ارزش‌ها، منافع و نهادهای مشترک بشری با حاکمیت واحد اسلامی وجود دارد. نظم بین‌المللی مطلوب اسلام، اخلاقی و عادلانه است که تعالی و سعادت کل بشریت را تأمین می‌کند. ارزش‌های زیربنای نظم و نظام بین‌الملل اسلامی نیز اعتباری و قراردادی نیستند؛ بلکه، از آن‌جاکه از فطرت انسانی نشئت می‌گیرد، واقعی و کشف‌شدنی و تبیین‌پذیر است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۱۴۲). در نگاه قرآنی به روابط بین‌الملل، اصولی مانند ارتباط برادرانه در جامعه گسترده اسلامی، اصالت روابط مسالمت‌آمیز با بازیگران غیرحربی، ضرورت پایبندی به مفاد قراردادها با دیگر ملت‌ها، ضرورت اجتناب از روابط و قراردادهایی که زمینه‌ساز سلطه کفار بر مومنان شود، و... اهمیت دارد و دولت‌های اسلامی به رعایت این اصول، حتی در هنگام جنگ، موظف هستند.

جمهوری اسلامی ایران هم با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی که به آن اشاره کرده‌ایم، همواره در پی دستیابی به نظم اخلاقی عادلانه بر پایه احترام متقابل بین دولت‌ها و پرهیز از هرگونه سلطه‌گری و ستم‌کشی بوده است. تجربه عملی چهل سال اخیر جمهوری اسلامی ایران در عرصه روابط بین‌المللی به‌خوبی ثابت کرده است که با وجود همه دشمنی‌ها و فشارهای نظام سلطه، در هیچ برهه زمانی، نقض‌کننده معاهدات و توافقنامه‌های بین‌المللی نبوده است. جمهوری اسلامی در چهارچوب شرع مقدس اسلام، به تمام معاهدات بین‌المللی، تا آنجا که با ارزش‌ها و مبانی اعتقادی و منافع ملی کشور در تضاد نباشد پایبند خواهد بود. بنابراین، دولت تراز انقلاب اسلامی که الزامات آن بر طبق بیانیه گام دوم انقلاب بیان شد، علاوه بر اخلاق‌گرایی در عرصه بین‌المللی به معاهدات دوجانبه و چندجانبه با شرایط پیش‌گفته، پایبند خواهد بود و نقش مؤثر و سازنده‌ای در ایجاد صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز فرهنگی بین ملت‌ها ایفا خواهد کرد.



نتیجه‌گیری

در بینش تمدنی رهبر معظم انقلاب برای دستیابی به تمدن نوین اسلامی و احیای عظمت اسلام مراحل پنج‌گانه‌ای شامل (انقلاب اسلامی، برپایی نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و درنهایت تمدن نوین اسلامی) ترسیم شده است. با وجود گذشت بیش از چهل سال از عمر انقلاب و با وجود پیشرفت‌های عظیمی که در طی این چهار دهه به دست آمده ولی در مسیر تمدن‌سازی نوین اسلامی در سومین مرحله آن یعنی شکل‌گیری دولت اسلامی هنوز شکل نگرفته و تا زمانی که دولت اسلامی در تراز گفتمان اسلام و انقلاب اسلامی شکل نگیرد نمی‌توان دو مرحله بعدی آن را با موفقیت پشت سر گذاشت. در پژوهش پیش‌رو پیش‌رو سعی شد با بهره‌گیری از نظریه‌های حکمرانی خوب و مهم‌تر از آن نظریه حکمرانی شایسته اسلامی که مدل‌سازی آن از دولت‌های نبوی و علوی اخذ و اقتباس شده الزامات حکمرانی سیاسی دولت شایسته تراز انقلاب مشخص و بر طبق بیانیه گام دوم انقلاب به‌عنوان یک سند راهبردی مطابقت داده شود. یافته‌های پژوهش به اختصار آورده شده است:

۱- شاخصه‌های حکمرانی شایسته که از مدل دولت‌های نبوی و علوی اقتباس شده در مقایسه با نظریه حکمرانی مطلوب که یک نظریه وارداتی است از جامعیت نظری و عملی کامل‌تری برخوردار است و بسیاری از شاخصه‌های مورد نیاز در یک حکمرانی تراز و الگو که در نظریه حکمرانی خوب یافت نمی‌شود ولی در نظریه حکمرانی شایسته اسلامی می‌توان آنها را سراغ گرفت.

۲- در متن بیانیه گام دوم انقلاب به‌عنوان یک سند راهبردی که با نگاه آینده‌نگارانه رهبر معظم انقلاب نگارش یافته و چشم‌انداز آینده انقلاب که همانا دستیابی به آرمان بزرگ انقلاب و برپایی تمدن نوین اسلامی در آن صیقل یافته شاخصه‌ها و پیشران دستیابی به آن نیز تعبیه شده و رهبری انقلاب نیز آن را تبیین کرده‌اند.

۳- با تلفیق شاخصه‌های نظریه حکمرانی خوب با نظریه حکمرانی شایسته اسلامی مدل مفهومی پژوهش ترسیم شد سپس شاخصه‌های دولت تراز انقلاب در سه بعد داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی تشریح و هریک از شاخص‌ها مورد بررسی قرار گرفت و با متن بیانیه گام دوم انقلاب نیز تطبیق داده شد. دولت شایسته تراز انقلاب که رسالت اصلی آن تحقق



تمدن نوین اسلامی است دارای پشتوانه‌های قرآنی و روایی است و در منظومه فکری حضرت امام ره و رهبری انقلاب که برگرفته از همان پشتوانه‌هاست نیز شاخصه‌های حکمرانی شایسته تراز انقلاب قابل کشف و تبیین است و با شکل‌گیری دولت تراز انقلاب و الگو است که زمینه دستیابی به تمدن نوین در سطح جهان اسلام فراهم می‌شود.

منابع

- قرآن کریم.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- استیل، برنت (۱۳۹۲). امنیت هستی‌شناختی در روابط بین‌الملل، ترجمه سید جلال دهقانی فیروزآبادی، فرزاد رستمی و محمدعلی قاسمی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- اسدی، حیدر و هادی رجبی (۱۳۹۶). «نقش فرهنگ مقاومت در امنیت داخلی جمهوری ایلامی ایران»، فصلنامه سیاست، سال چهارم، شماره ۱۶.
- اسدی، ناصر و امیر رضایی پناه (۱۳۹۲). «مبانی تقسیم‌بندی نظام بین‌الملل و همگرایی و واگرایی آن در گفتمان تعامل‌گرایی ضد نظام سلطه»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال سوم، شماره ۱.
- افتخاری، اصغر (۱۳۹۲). «تبارشناسی قاعده مصلحت در فقه سیاسی شیعه»، سیاست متعالیه، سال اول، شماره ۱.
- آرایبی وحید (۱۳۸۸). «حکمرانی خوب مشابه آرمان نظارت و ارزیابی»، گزارش، شماره ۶.
- بنیاد دایره‌المعارف فارسی، دانشنامه جهان اسلام، «مفهوم حکمت»، شماره ۶۳۸۰.
- بنی‌هاشمی، میرقاسم (۱۳۹۵). انتخابات، ثبات سیاسی و امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پاپ، جرمی (۱۳۸۵). پارلمان و قانون‌گذاری علیه فساد، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال ۱۳، شماره ۵۲.
- تسخیری، محمد علی (۱۳۸۷). «گفتارهایی درباره تقریب مذاهب اسلامی»، اندیشه تقریب، سال ۴، شماره ۱۴.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱). گستره دین، قم، نشر اسراء.
- حبی، محمد باقر (۱۳۹۰). سیاست‌های ترویج فرهنگ شایسته‌سالاری، تهران، نشر رادن.



- حبیب‌نژاد، سید احمد و زهرا عامری (۱۳۹۵). «شاخص‌های شفافیت در حکومت اسلامی با تأکید بر حکومت علوی»، فصلنامه حقوق اسلامی، سال ۱۳، شماره ۴۹.
- حق پناه، رضا (۱۳۸۱)، «عزت از منظر قرآن و سنت»، فصلنامه الهیات و حقوق، شماره ۴ و ۵.
- حقیقت، سید صادق (۱۳۷۶). مسئولیت‌های فراملی و سیاست خارجی دولت اسلامی، تهران، نشر مرکز پژوهش‌های استراتژیک.
- خداپرست، یونس و امراله اندرزیان (۱۳۹۷). «افول هژمونی آمریکا و چهل‌سالگی انقلاب اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال ۱۵، شماره ۵۵.
- درخشه، جلال و سید مهدی موسوی‌نیا (۱۳۹۷). «مؤلفه‌های حکمرانی شایسته در سیره حکومتی پیامبر اسلام (ص)»، فصلنامه پژوهش‌های علم و دین، سال نهم، شماره اول.
- درودگر، محمد جواد (۱۳۸۲). «نقش اخلاق و معنویت در کارآمدی نظام اسلامی»، فصلنامه حکومت اسلامی، سال دوازدهم، شماره دوم.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۹). «مبانی فرانظریه نظریه اسلامی روابط بین‌الملل»، فصلنامه روابط بین‌المللی خارجی، سال دوم، شماره ۶.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و علیرضا اسماعیلی (۱۳۹۵). «انقلاب اسلامی و صورت‌بندی گفتمان قدرت در نظام بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال ۱۳، شماره ۴۶.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و پیمان وهاب‌پور (۱۳۹۴). امنیت هستی‌شناختی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۸). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، قومس.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۶). «گفتمان اصول‌گرایی عدالت‌محور در سیاست خارجی احمدی‌نژاد»، دوفصلنامه دانش سیاسی، شماره ۵.
- رضایی اندیشمند، ابوالقاسم (۱۳۹۵). «عزت، حکمت و مصلحت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه باقرالعلوم، قم.
- سجادی، عبدالقیوم (۱۳۸۱). «اصول سیاست خارجی در قرآن»، مجله علوم سیاسی، سال چهارم، شماره ۱۵.
- سجادی، عبدالقیوم (۱۳۸۱). «دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام»، مجله علوم سیاسی، سال پنجم، شماره ۱۹.



- سردارنیا، خلیل (۱۳۹۵). «ریشه‌های ساختاری فساد اقتصادی در ایران در دو دهه اخیر»، فصلنامه مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌المللی، سال اول، شماره اول.
- سعیدی روشن، محمدباقر (۱۳۹۳). «شاخص‌های تمدن اسلامی براساس آموزه‌های قرآن کریم»، فصلنامه آموزه‌های قرآنی، شماره اول.
- طاهری، محسن و محمدجواد ارسطا و محسن ملک‌افضلی (۱۳۹۸). «مبانی و آثار اصل شفافیت از منظر اندیشه سیاسی اسلام»، فصلنامه سیاست متعالیه، سال ۷، شماره ۲۴.
- طاهری، محسن و محمدجواد ارسطا (۱۳۹۵). «بررسی تطبیقی مبانی اصل شفافیت از دیدگاه اسلام و نظریه حکمرانی خوب»، فصلنامه پژوهش حقوق تطبیقی اسلام و غرب، سال سوم، شماره ۳.
- عباسی، صفر (۱۳۹۴). «همگرایی و وحدت جهان اسلام»، پژوهش‌های منطقه‌ای، دوره جدید، شماره ۱۶.
- عباسی، مجید (۱۳۹۷). «نظام سلطه و تعارضات آن در روابط بین‌الملل در گفتمان مقام معظم رهبری (مدظله)، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال هفتم، شماره ۲۵.
- علی‌واثق، قادر و سید علی حسینی‌تاش (۱۳۹۳). «حکمرانی خوب و ارائه حکمرانی شایسته، بررسی و شاخص‌های این دو از دیدگاه امیرالمؤمنین علی (ع)»، فصلنامه و پژوهش‌های مدیریتی، شماره ۸.
- عیسی‌زاده، خالد و بشارت عیسی‌زاده (۱۳۹۶). «جایگاه عدالت در حکومت اسلامی»، فصلنامه جبل‌المتین، دوره ۶، سال ۲۱.
- غنیمه، عبدالرحیم (۱۳۶۴). تاریخ دانشگاه اسلامی، ترجمه نورالله کسایی، تهران، انتشارات یزدان.
- فخرزارع، سید حسین (۱۳۸۸). «عدالت جوهره انقلاب اسلامی»، فصلنامه زمانه، شماره ۸۴ و ۸۵.
- فشاری، مجید و غفار جوادپور (۱۳۹۳). «بررسی و تبیین الگوی اقتصاد مقاومتی»، مجله اقتصادی، شماره ۵ و ۶.
- قاسمی، بهزاد (۱۳۹۷). ژئوپلتیک محور مقاومت و امنیت جمهوری اسلامی ایران براساس گفت‌مان انقلاب اسلامی، فصلنامه آفاق امنیت، سال یازدهم، شماره ۳۸.
- قلی‌پور، رحمت‌الله (۱۳۸۳). «تحلیل رابطه الگوی حکمرانی خوب و فساد اداری»، فصلنامه مدیریت سازمانی، شماره ۱۰.
- لاریجانی، محمدجواد (۱۳۷۶). کاوش‌های نظری در سیاست خارجی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

- لاریجانی، محمدجواد (۱۳۶۹). مقولاتی در استراتژی ملی، مرکز نشر و ترجمه کتاب، چاپ اول.
- محمدیان مصمم، حسن و سعید ضرغامی (۱۳۹۶). «خاستگاه تفکر آرمانی و آرمان‌شهر در دو مهد عظیم تمدن شرق و غرب»، فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، سال نهم، شماره ۲۹.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۲). عدل الهی، تهران، صدرا.
- مظفری، محمدمهدی و بهنام محمدی (۱۳۹۵). «مؤلفه‌های مدیریت جهادی در سازمان جهادی»، مجموعه مقالات دومین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی در ایران.
- رهبر معظم انقلاب (مدظله) (۱۳۹۷). بیانیه گام دوم انقلاب.
- موسوی خمینی، روح‌الله، (۱۳۷۴). صحیفه نور، تهران، مرکز نشر آثار حضرت امام (ره).
- میدری، احمد و جعفر خیرخواهان (۱۳۸۳). حکمرانی خوب بنیان توسعه، دفتر بررسی‌های اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- واعظی، احمد (۱۳۸۲). «اسلام و لیبرالیسم»، فصلنامه علوم سیاسی، سال ششم، تابستان، شماره ۲۲.

- Grindle, S.M. (2007) Good Enough Governance revisited. Development policy review. 25 (5): 553-574.

